

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۳۰ مارچ ۲۰۱۹

مردم و محیط زیست ایران در باتلاق فساد و فلاکت حکومت اسلامی ایران!

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز وگرنه سیل چو بگرفت، سد نشاید بست

(سعدی)

همزمان با آغاز سال ۹۸ خورشیدی و تعطیلات نوروزی، سیلاب و بارندگی چندین استان ایران را در بر گرفته است. جشن نوروزی امسال مردم ایران با تمام سختی‌ها، سرکوب‌ها، گرانی‌ها و فقر، به عزا هم تبدیل شده است. اکنون ۸۰ درصد مناطق پرجمعیت کشور در معرض سیل قرار دارند. سازمان هواشناسی درباره رگبار، رعد و برق، سیلاب و طغیان رودخانه‌ها در استان‌های خوزستان، بوشهر، ایلام، کرمانشاه، شرق کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، فارس، غرب اصفهان و جنوب قم هشدار داده است.

در چنین وضعیت ناگوار و فلاکت‌بار، قاعدتا باید مردم آزاده ایران، به این نتیجه برسند که عامل همه دردها و رنج‌ها و مصیبت‌هایشان حکومت اسلامی ایران است. حکومتی که همواره رفتار و اعمال و کردار به غایت وحشیانه و غیرانسانی دارد. حکومتی که سرمایه‌های جامعه را غارت کرده و زیرساخت‌های جامعه و طبیعت را نابود کرده است.





بارش باران در ۲۵ استان ایران، همچنان ادامه دارد و وقوع سیل طی روزهای اخیر در شهرهای مختلف تلفات جانی، و خسارات مالی بسیاری برجای گذاشته است.

حکومت اسلامی آمار واقعی قربانیان سیل را در وحشت از خشم مردم پنهان می‌کند. در برخی گزارش‌ها گفته شده بیش از دویست نفر جان خود را از دست داده‌اند که بخش زیادی از آن متعلق به شیراز است. همچنین نیروهای امنیتی از نزدیک شدن مردم به بیمارستان‌ها جلوگیری می‌کنند.

مدیر کل دفتر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل وزارت نیرو، گفت: همه تلاش ما در این مدت این بود که تلفات جانی نداشته باشیم؛ با این حال، در شرایطی که توجه ما به سیلاب شدید در استان‌های گلستان، مازندران و کنترول آن در خوزستان معطوف بود، اتفاقی ناگوار در شیراز رخ داد که متأسفانه تلفات بالایی داشت.

او در خصوص واقعه دروازه قرآن شیراز گفت: اتفاقی که در شیراز رخ داد سیلاب از منظر طغیان رودخانه نبود؛ بلکه به‌خاطر دست‌اندازی و مسدود کردن یکی از مسیرهای قدیمی شهر شیراز بوده است.

محسنی بندپی استاندار تهران گفته با توجه به ویژگی‌های شهر تهران اگر در بالادست این شهر ۱۰ دقیقه رگبار ببارد احتمال وقوع سیل وجود دارد.

کانکس زلزله‌زدگان سرپل ذهاب را آب برد و ارتش وارد عمل شد که ساکنان کانکس‌ها را نجات دهد. ده‌ها هزار تن از زلزله‌زدگان کرمانشاه از سال ۱۳۹۶ تاکنون، در کانکس‌ها زندگی مشقت‌باری را می‌گذرانند. زلزله ۲۱ آبان ۱۳۹۶ به ۱۰۰ هزار واحد مسکونی آسیب وارد کرد.

به‌گزارش ایرنا، امام جمعه شیراز عملکرد برخی ادارات را که زمینه‌ساز سیل این شهر شد، موجب خشم و حتی فحش دادن آنان به مسئولان دانست و گفت: در بازدید از مناطق سیل زده با خشم و عصبانیت مردم روبه‌رو شدیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین لطف‌الله دژکام نماینده خاмене‌ای و امام جمعه شیراز که در نشست مسئولان بنیاد مسکن انقلاب استان فارس سخن می‌گفت، افزود: «من در بازدید از مناطق سیل زده چندین فحش خوردم و اعصابم خرد است.»

نماینده خاмене‌ای ضمن پیش کشیدن کشمکش‌های جناحی، اما مجبور شد اعتراف کند که علت سیل سیاست‌های غارتگرانه حکومتی است. امام جمعه شیراز در این رابطه گفت: «مسئل را گرفته‌اند و به ساختمان تبدیل کرده‌اند، چرا نباید سیل جاری شود؟ چرا شهرداری بلوار کشیده و مسیر را مسدود کرده است؟ آب بالا دست دروازه قرآن باید از کجا سر در بیاورد که سیل جاری نشود؟»

در این میان بازار خرافات اسلامی هم داغ‌تر شده است. باران‌ها سیل‌آسا، نشانه ظهور امام زمان است. اما مرکز مهدویت حوزه علمیه قم، خیال مردم را راحت کرده و گفته است که «باران‌های سیل‌آسای ایران دال بر نشانه ظهور

نیست!»! «چون در روایات ما به خصوص در روایات مرتبط به سرزمین‌ها در عصر ظهور و آخرالزمان نام‌های شهرها به شکل عمومی یا جزئی بیان شده است.»

رضا اردکانیان، وزیر نیروی گفته است: «۱۷ شهر و ۶۳۵ روستا در استان‌های گلستان و مازندران درگیر سیل هستند. از این میان، آب شرب تنها برای ۸۴ روستا تأمین شده است.»

استان‌های گلستان و مازندران از تاریخ ۲۶ اسفند ۹۷، درگیر فاجعه سیل هستند. در استان گلستان شهرهای آق قلا، گنبد کاووس، گمیشان؛ بندر ترکمن، سیمین شهر به‌طور کامل در سیل غرق شده‌اند.

طبق گفته مقامات حکومت، در این دو استان بیش از ۱۲۰ هزار نفر مستقیماً از سیل حادثه دیده‌اند. بیش از ۲۰ هزار خانه آسیب‌دیده‌اند. نزدیک به ۶ هزار واحد مسکونی تخریب صددرصدی وارد شده است؛ راه‌ها و جاده‌های مواصلاتی تخریب شده‌اند. تازه مسئولین حکومت می‌گویند در صدد کمک‌رسانی هستند؟

دلیل جاری شدن سیل در منطقه آق‌قلا، سدسازی بوده است. این شهر به‌کلی زیر آب رفته است. تصاویری در اختیار یورونیوز قرار دارد که نشان‌دهنده تأثیر سدسازی بر سیل اخیر رخ داده در منطقه آق‌قلا در استان گلستان است.

در این تصاویر که مربوط به تاریخ ۴ فروردین ماه ۱۳۹۸ است، به وضوح نقش مخرب سدسازی در تغییر رژیم جریان آب در حوزه بالادست و پائین دست سد در منطقه آق‌قلا مشاهده می‌شود.

کارشناسان «جنگل‌زدائی، سدسازی، ساخت و ساز در حریم رودخانه و جاده کشی» را از جمله عامل جاری شدن سیل می‌دانند.

مدیر دفتر برنامه‌ریزی منابع آب سازمان آب و برق خوزستان گفت: در طی ۷۲ ساعت گذشته بیش از سه میلیارد مترمکعب آب وارد سدهای خوزستان شده است که با ورود سیلاب‌های اخیر ظرفیت مخازن سدهای استان تقریباً کامل شده است.

تهران و لواسان و البرز و استان مرکزی در آماده‌باش کامل‌اند. سیل به خاورشهر تهران رسید. یکی از نگرانی‌ها سرریز کردن سد کرج است. در استان لرستان اهالی شهر معمولان در محاصره سیل قرار گرفته‌اند. رودخانه الوند در سرپل ذهاب طغیان کرده و در اصفهان سیل به ده‌ها خانه خسارت‌هایی وارد کرده است.

پرفسور کردوانی جغرافیدان، استاد ممتاز دانشگاه تهران و پدر کویرشناسی ایران، گفته است: «(الان سد دز که ۲۰۲ متر ارتفاع دارد، حدود ۹۰ مترش گل است و به‌همین دلیل نمی‌تواند آب را در خودش نگه دارد. بنابراین ظاهراً فکر می‌کنیم باران نعمت است که در واقع نیست. چون باران به دشت‌هایی که نشست کرده‌اند، نمی‌تواند نفوذ کند. جاهایی هم که آسفالت و سنگ‌فرش است هم باران را نگه نمی‌دارند. این در حالی است که مسئولان می‌توانستند کاری کنند که در این وضع کم‌آبی، سیل جاری نشود. فقط کافی بود تا در ارتفاعات آب‌خیزداری کنند. یعنی در دامنه کوه دو کار اصلی انجام بدهند. اول این‌که جوی‌های عمود بر شیب را احداث کنند. همچنین در رودهای کوچک، سدهای کوچک می‌ساختند که اولی به‌عده وزارت کشاورزی و بعدی وظیفه وزارت نیرو است. اگر این کارها انجام می‌شد، دیگر شاهد این همه مصیبت نمی‌شدیم. همچنین اگر به جنگل‌ها رسیدگی می‌شد، باران به درخت پخش می‌شود و نمی‌افتد.»

به‌گزارش ایسنا، دکتر محمد اسماعیل مطلق مشاور معاون بهداشت گفت: «محتویات معادنی مانند معادن زغال سنگ ممکن است در سیلاب رها شده و آب را با اسید سولفوریک ترکیب نمایند. مواد شیمیایی آزاد می‌توانند با مخلوط شدن در آب، باعث ایجاد واکنش‌های شیمیایی گردند و خطر انفجار و یا آتش سوزی را رقم بزنند.»

سازمان آب و برق خوزستان روز پنج‌شنبه در اطلاعیه‌های متعددی نسبت به بروز سیل در برخی از شهرهای پائین دستی رودخانه‌های دز، کارون و کرخه هشدار داده است.

به گزارش ایرنا، سازمان آب و برق خوزستان در اطلاعیه‌های خود، نسبت به وقوع سیلاب در ۱۸ روستای حاشیه دز، ۳۳ روستا و سه شهر در حاشیه کرخه و ۱۸ روستا در حاشیه کارون هشدار داده و از دستگاه‌های اجرایی خواسته که برای حفاظت از ساکنان و تخلیه روستاها آمادگی داشته باشند.

گزارش‌هایی در خصوص وقوع آبگرفتگی در برخی از مناطق شهرستان هویزه منتشر شده است. نایب رئیس شورای شهر «رفیع» از توابع شهرستان هویزه، شرایط این شهر را از نظر سیلاب بحرانی دانسته و گفته است: رفیع دوباره در محاصره سیلاب قرار گرفته و آب به سمت شهر در حال پیشروی است.

تونلی که شهرداری در منطقه سعدی احداث کرده به رودخانه تبدیل شده است، این تونل هیچ راهی برای فرار آب ندارد! در جریان امور ما، تفهیم‌ها تصمیم می‌گیرند، تفهیم‌ها به مسئولیت‌شان عمل نمی‌کنند!»

شایان ذکر است که مسیل کنار دروازه قرآن توسط سپاه پر و روی آن را یک خیابان عریض درست کرده‌اند. سپاه با شرکت در پروژه‌های ساختمانی پول‌های هنگفتی را از بودجه دولت به‌خود اختصاص می‌دهد و با دزدی و غارت این پول‌ها خرج موضوعات دیگر از جمله انتقال پول برای حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن و برای فعالیت‌های تروریستی علیه اپوزیسیون هزینه می‌کند.

بلايای طبیعی در همه جهان روی می‌دهند اما با اتکا به تکنولوژی مدرن و مدیریت منطقی و علمی بحران، می‌توان قربانیان این فجایع طبیعی را به حداقل رساند. مدیریت بحران که یکی از زیرمجموعه‌های حکومت‌هاست موظف است همواره برای هر بحران طبیعی و طرح و نقشه عمل و همچنین آمادگی لازم را برای جلوگیری از گسترش بلايای طبیعی داشته باشد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نه تنها مدیریت بحران خود بحران‌زا است، بلکه کلیت این حکومت، فاسد ضد‌مردی، ضدآزادی و ضد طبیعت سالم است. این حکومت در چهل سال حاکمیت تبه‌کارانه خود، کلیه زیرساخت‌های اساسی جامعه را نابود کرده است. انگار از انواع و اقسام دستگاه‌های سرکوب قضائی و اطلاعاتی و امنیتی حکومت اسلامی گرفته تا جاده‌های خطرناک و آلودگی هوا و سیل و غیره دست به دست هم داده‌اند تا مردم و محیط زیست ایران را نابود سازند! بنابراین، عامل اصلی همه فجایع طبیعی و غیرطبیعی، وجود نکبت‌بار حکومت اسلامی و عملکردهای وحشیانه آن است.

برای مثال، پیش‌تر هاشمی رئیس شورای شهر تهران اعلام کرده بود، در حال حاضر تعداد کسانی که بر اثر آلودگی هوا می‌میرند بیش‌تر از تعداد کسانی‌ست که بر اثر تصادفات رانندگی جان می‌سپارند. هاشمی به آمار دقیق مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا اشاره نکرد اما اخیراً محمود رضا پیروی دبیر کل جمعیت هلال احمر، گفته که مرگ و میر ناشی از تصادفات طی دو سال اخیر به ۱۸ هزار نفر رسیده است.

پیروی گفته بود، طی دو سال اخیر تعداد جان‌باخته‌ها تا ۱۸ هزار نفر افزایش یافته است.

حمیدرضا خانکه، قائم‌مقام «سازمان اورژانس کشور در بحران»، روز پنج‌شنبه هشتم فروردین، گفت که شمار کشته‌شدگان حوادث جوی روزهای اخیر ایران به ۴۴ نفر رسیده است.

به‌گزارش خبرگزاری مهر، این مقام سازمان اورژانس ایران افزود: «۲۱ نفر در استان فارس، ۷ نفر در گلستان، ۵ نفر در مازندران، ۳ نفر در خراسان شمالی، ۲ نفر در کهگیلویه و بویراحمد، یک نفر در کرمانشاه، یک نفر در خوزستان، دو نفر در لرستان، یک نفر در همدان و یک نفر سمنان فوت شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، مدیرکل دفتر مدیریت بحران و کاهش مخاطرات وزارت جهاد کشاورزی، خبر داد که «بر اساس گزارش‌های رسیده از سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها، تاکنون ۲ هزار و ۴۱۷ میلیارد تومان خسارت به بخش کشاورزی وارد شده است.»

محمد موسوی گفت که «۵۰ درصد خسارت‌های وارد شده مربوط به بخش کشاورزی استان گلستان، ۲۳ درصد مازندران، ۱۶ درصد خوزستان، ۶ درصد چهارمحال بختیاری، ۲ درصد فارس و ۳ درصد دیگر استان‌ها است.» وی اظهار داشت: «۵۰ درصد از خسارت‌های وارد شده مربوط به زیربخش زراعت، ۲۳ درصد باغبانی، ۱۰ درصد دام، طیور و آبزیان و ۱۷ درصد آب، خاک، امور زیربنایی، تأسیسات و شبکه‌های انتقال آب می‌شود.» در حالی که سیل و فلاکت مناطق بزرگی از ایران را فراگرفته است و مسئولین و نهادهای حکومتی نیز دیرتر از خواب غفلت بیداری برخاسته‌اند تازه طلبکار هستند و کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان را ممنوع کرده‌اند. یک مشت آخوند مفتخور را هم راهی مناطق سیل زده کرده‌اند تا با روضه‌خوانی و تزویر و ریا، هم آدرس غلط به مردم بدهند و بگویند خواست «خدا» ست، تا از این طریق به نیروهای سرکوبگر کمک کنند و نگذارند مردم خشمگین علیه حاکمیت تبهکار اسلامی به پا خیزند!

حکومت اسلامی، جمع‌آوری کمک‌های مردمی را جز از طریق حساب‌های هلال احمر و کمیته امداد ممنوع کرده‌اند. جاوید نیا معاون دادستان کل کشور به اشخاص و چهره‌های شناخته شده هشدار داد که در صورت اقدام، حساب‌ها مسدود و مبالغ جمع‌آوری شده توقیف و به سازمان‌های یادشده تحویل داده خواهد شد، لذا از هر گونه اقدام در این زمینه خودداری شود.

خبرگزاری فارس نهم فروردین خبر داد؛ جاوید جاویدنیا، یکی از معاونان دادستان کل حکومت گفته است: طی رصدهای انجام شده در حدود ۲۰۰ حساب به دادستانی کل کشور اعلام شده که این حساب‌های بانکی در دست بررسی است و تاکنون ۱۰۰ حساب بانکی مسدود شده است.

سیل اخیر در ایران علاوه بر رسانه‌ها و منابع رسمی حکومت اسلامی، در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز با انبوهی از خبر و تصویر بازتاب وسیعی داشت. کاربران این شبکه‌ها علاوه بر انتشار خبر و تصویر به موضوعاتی نظیر عوامل احتمالی وقوع سیل، خسارت‌های ناشی از آن، نحوه رسیدگی به پیامدهای این حادثه طبیعی و نقش «سوءمدیریت» در بروز سیل پرداخته‌اند.

جواد جاویدنیا، معاون دادستان کل کشور در امور فضای مجازی، امروز پنجشنبه با اشاره به «شایعات» منتشرشده در رابطه با سیل اخیر در ایران گفت: «معاونت فضای مجازی دادستان کل کشور از پولیس فتا خواسته تا ضمن رصد کردن شایعات منتشر شده، با تولیدکنندگان و منتشرکنندگان اخبار دروغ برخورد کند.»

در چنین شرایطی، سؤال این است که حکومت اسلامی ایران، چرا در چنین وضعیتی کمک‌های مردمی را ممنوع کرده است؟ جواب به این سؤال، بسیار ساده است: در زلزله کرمانشاه و قبل از آن آذربایجان، جمع‌آوری کمک به زلزله‌زدگان به یک همبستگی مردمی منجر شده بود. چنین همبستگی برای حکومت جهل و جنایت، ترور و سانسور کابوس بزرگی است. به‌خصوص که حکومت در بحران‌های اقتصادی، سیاسی و حتی دیپلماسی غوطه‌ور است هر حرکتی که به همبستگی مردمی بینجامد برای این حکومت نقش سم را دارد بنابراین، جمع‌آوری کمک مالی به قربانیان سیل را ممنوع کرده‌اند. آن‌هم در حالی که خود نهادهای حکومتی نیز با تاخیر به یاری آسیب‌دیدگان رفته‌اند باعث قربانیان زیادی شده‌اند. به‌علاوه، اکنون اکثریت مردم ایران، کمترین اعتمادی به این حکومت و ارگان‌ها و هلال احمر

اش ندارند. چرا که در فجایع قبلی دیده‌اند که عناصر و عوامل و نهادهای حکومتی، چگونه کمک‌های مردمی را بالا کشیده‌اند بدون این که ذره‌ای شرم و عذاب وجدان داشته باشند.

یک کارشناس سازمان هواشناسی، گفت: امروز سه‌شنبه ششم فروردین بر اثر رگبار و رعد و برق شدید وقوع سیلاب در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، فارس و اصفهان پیش‌بینی می‌شود.

«امین حسین نقشینه» روز سه‌شنبه در گفت‌وگو با ایرنا، اظهار داشت: همچنین امروز طغیان رودخانه‌ها و احتمال سیلابی شدن غرب استان یزد، غرب کرمان، قم، سمنان، خراسان شمالی، شمال خراسان رضوی، قزوین، البرز و تهران وجود دارد.

وی با بیان این‌که در ارتفاعات زاگرس و البرز نیز بارش برف و باران پیش‌بینی شده است، از مسافران نوروزی درخواست کرد به اخبار و هشدارهای هواشناسی دقت کرده، به‌هنگام سفر موارد ایمنی را رعایت کنند، تجهیزات کامل زمستانی همراه داشته باشند و از توقف در حاشیه و بستر رودخانه‌ها و مناطق مستعد سیلاب جدا خودداری کنند.

او تصریح کرد: روز چهارشنبه هفتم فروردین هم احتمال وقوع سیلاب و طغیان رودخانه در خراسان شمالی، غرب هرمزگان و جزایر خلیج فارس وجود دارد اما هموطنان می‌توانند برای اطلاع از وقوع سیلاب و وضعیت راه‌ها با شماره ۱۴۱ تماس بگیرند.

پولیس راهور ناجا از مسدود شدن ۲۲ محور در کشور به دلایل مختلف از جمله شرایط جوی خبر داد. سرهنگ نادر رحمانی، در مورد آخرین وضعیت محورهای مسدود شده کشور با بیان این‌که تا امروز دوشنبه ۵ فروردین، ۲۲ محور به دلایل مختلف مسدود است، گفت: محور اولنگ – شاهرود در استان‌های گلستان و سمنان به علت عدم ایمنی کافی فعال مسدود است همچنین محور دیزین – شمشک در استان‌های تهران و البرز به علت عدم ایمنی کافی نیز غیر قابل تردد است.

او با بیان این‌که محور پونل – خلخال در استان گیلان به علت ریزش کوه پل مسدود است، گفت: محور سی سخت – پادنا در استان کهگیلویه و بویراحمد و محور گنجانمه – تویسرکان در استان همدان نیز به علت عدم ایمنی کافی مسدود شد.

رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پولیس راهور ناجا با بیان این‌که در استان کردستان محور فرعی سروآباد – پاوه (گردنه ته ته) به علت یخ زدگی و عدم ایمنی کافی مسدود است، گفت: محور تنکابن فرعی توکله (پل توکله) در استان مازندران به علت سيل و تخریب پل مسدود شده است همچنین در استان مازندران محور چمستان فرعی در کاپی به‌علت عدم ایمنی کافی مسدود شد.

رحمانی با بیان این‌که محور روستائی نثار شهرستان چرداول در استان ایلام به‌علت رانش زمین مسدود شده است، گفت: در استان ایلام محورزرنه – سومار به علت عملیات راهسازی مسدود است و محور قدیم چذابه در استان خوزستان به علت بالا آمدن آب دریاچه هور، محور کوهرنگ – مسجد سلیمان (گردنه شاه منصوری) در استان چهارمحال و بختیاری به‌علت بارش برف و خطر سقوط بهمن مسدود شده است.

رحمانی در گفتگو با ایسنا، با بیان این‌که محور شاهرود-آزادشهر (محدوده خوش ئیلاق-آزادشهر) در استان سمنان به علت ریزش کوه مسدود است و مسیر جایگزین محور سمنان-فیروزکوه، در محور گرگان-آق قلا در استان گلستان به علت آبگرفتگی، محور دیباج – گلوگاه در استان مازندران به علت آبگرفتگی، جنوب محورهای دلگان – ایرانشهر و

دلگان - بزمان در استان سیستان و بلوچستان به علت طغیان رودخانه‌های محلی، محور خمیر به لنگه در استان هرمزگان به علت بارش باران و طغیان رودخانه، محور فرعی خواجه نفس به گمیشان در استان گلستان به علت بالا آمدن سطح آب و طغیان رودخانه مسدود است.

او در پایان افزود: محور دلگان - ذهکوت در استان سیستان و بلوچستان به علت بارش باران و طغیان رودخانه مسدود است. محور فرعی زیاتعلی - باشنگی در استان هرمزگان به علت بارش باران و طغیان رودخانه، محور ایرانشهر - خیرآباد در استان سیستان و بلوچستان به علت بالا آمدن سطح آب و طغیان رودخانه و محور فرعی ایرانشهر - مهرستان نیز به علت بارش باران و طغیان رودخانه مسدود است.

بارش ممتد باران و برف و کاهش دما در استان مازندران که از یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. فرسایش خاک در اثر بهربرداری بی‌رویه از جنگل‌ها و بارش ممتد باران و رها ساختن آب از پشت سدها، سبب جاری شدن سیل در آستانه نوروژ در دو استان شمالی ایران شد. در مازندران جاده‌هایی که روستاها را به شهرها ارتباط می‌دهند قطع است. سیل همچنین بخش‌هایی از استان گلستان، به ویژه گنبدکاووس را درگیر کرده است.

بارش مداوم باران در سه روز گذشته سبب شد که سیل در روستاهای شرق مازندران - سوادکوه، ساری، سیمرغ، میانرود، نکا، بهشهر و گلوگاه جاری شود. برخی روستاها تخلیه شدند و ساکنان برخی روستاها هم ناگزیر شدند برای آمد و شد از قایق استفاده کنند. در اثر طغیان رودخانه تجن پارک ملل ساری زیر آب رفت

مجتبی اکبری مدیرعامل جمعیت هلال احمر مازندران از آبگرفتگی ۱۳ شهر استان خبر داد و تعداد سیل‌زدگان را هزار و ۵۹۱ نفر اعلام کرد. به گفته علی اصغر احمدی مدیرکل مدیریت بحران استانداری مازندران، تقریباً تمام شهرهای این استان درگیر آبگرفتگی‌اند اما در سیمرغ و در کیاکلا شدت آبگرفتگی بیش‌تر از سایر مناطق استان مازندران است. روستای حسن‌آباد میانرود نیز کاملاً زیر آب رفته است. ساکنان سه روستای دیگر تخلیه شده‌اند، در برخی مناطق آب قطع شده و راه‌های ارتباطی و جاده‌ها نیز مسدود شده‌اند. به علت ریزش کوه و آبگرفتگی خطوط ریلی، قطار مازندران نیز متوقف شده و به دلیل آن که آب راه‌های رسیدن به فرودگاه ساری را پوشانده، پروازها به ساری متوقف شده است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در پی بارندگی شدید در شرق گلستان، سد گلستان سرریز کرد و سبب طغیان رودخانه گرگان‌رود شد. شهروندان ویدیوهایی از آبگرفتگی خیابان‌های گنبدکاووس منتشر کرده‌اند. شهرستان‌های آق قلا، بندر ترکمن و سیمین‌شهر می‌رسد. زیر آب رفته است.

باد و باران در استان گلستان وجب سقوط تابلوهای راهنمایی و رانندگی، تیرهای انتقال برق، شکستن درختان و شیشه مکان‌های مسکونی، آبگرفتگی معابر و جاده‌های برون شهری و زمین‌های کشاورزی، وارد شدن آسیب به سقف خانه‌ها، لغو پرواز فرودگاه گرگان، طغیان رودخانه‌ها، سرریز شدن آب سدها و لغو حرکت قطار شده است.

امیرشیر توماج فرماندار گمیشان، گفته است که گمیشان در محاصره آب قرار گرفت. راه‌های مواصلاتی شهر مسدود شد. او با بیان این‌که اکنون گمیشان در محاصره آب قرار گرفته، افزود: خروج و ورود به گمیشته تقریباً مقدور نیست. او با اشاره به این‌که فعلاً تردد در این دو مسیر با قایق صورت می‌گیرد، ادامه داد: دو روستای قره کیله (که به‌طور کامل در محاصره آب است) و قرمسه در بخش مرکزی در معرض خطر هستند و در خواجه نفس هم سه کوچه آبگرفتگی دارد البته توپوگرافی منطقه و عدم جذب آب به‌خاطر نوع خاص خاک منطقه، جذب را غیرممکن کرده و نتوانستیم در این بخش کار چندانی انجام دهیم.

بارندگی‌های اخیر و به دنبال آن طغیان رودخانه‌های گرگان‌رود و قرمسو باعث آب‌گرفتگی حدود ۳۱۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی استان گلستان شده است. مختار مهاجر، رئیس جهاد کشاورزی این استان گفته است که ۱۲۰ هزار هکتار از این زمین‌ها کامل و ۱۰۰ درصد تخریب شده‌اند. به گفته او سیلاب ۱۲۰۰ میلیارد تومان به بخش کشاورزی استان گلستان خسارت وارد کرده است که از این میزان بیشترین آسیب به بخش زراعت (۷۶۰ میلیارد تومان) وارد شده است. همچنین بخش باغات ۱۲۰ میلیارد تومان، مرغداری‌ها، دامداری‌ها و بخش آبی‌پروری ۱۷۰ میلیارد تومان و زیرساخت‌ها و حوزه تأسیسات آبی و خاکی ۱۵۰ میلیارد تومان خسارت دیده‌اند.

به گزارش ایسنا، نهم فروردین، شهردار آق قلا گفته است از هفت هزار خانه مسکونی در این شهر دو هزار و ۵۰۰ واحد زیر پوشش بیمه حوادث پیش‌بینی نشده قرار دارند و مطابق قرارداد خسارت وارده به منازل آسیب دیده توسط بیمه ایران پرداخت می‌شود.

- واحدهائی که زیر پوشش بیمه حوادث ایران قرار نگرفته‌اند از طریق بنیاد مسکن یا بسته پیشنهادی به ستاد بحران استان گلستان، حمایت خواهند شد.

- رئیس جمعیت هلال احمر کشور: امکان فرو ریختن منازل سیل‌زده آق قلا با توجه به ماندگاری چندین روزه سیلاب و نفوذ آب به دیواره و پی ساختمان‌ها جدی و محتمل است.

سیل مهیب شیرازی‌ها و مسافران نوروزی را غافلگیر کرد. شهری که به زیبایی بهاری‌اش معروف بود ظهر دوشنبه گذشته، حادثه‌ای ناگوار را به چشم دید. حادثه‌ای که به قیمت جان ده‌ها نفر تمام شد و بیش از ۲۰۰ خودروی مهمانان نوروزی را تبدیل به آهن پاره کرد.

چندساعتی از نیمه روز پنجم فرودین ماه سال ۹۸ گذشته بود که خبری هولناک منتشر شد، سیل دروازه قرآن شیراز را برد. خبر آنقدر تکان دهنده بود که خیلی سریع عکس‌ها و خبرهای مربوط به این حادثه در فضای مجازی دست به دست بین کاربران منتشر شد.

مرد جوان، به خبرنگاری گفته است: بدبخت شدم، بعد از یک سال کار و بدبختی دست زن و بچه‌ام را گرفتم تا به مسافرت بیایم. از کرمان کیلومترها راه را طی کردم تا به شیراز آمدم.

مرد جوان ادامه می‌دهد: آن طرف خیابان درست روبه‌روی دروازه قرآن توقف کرده بودیم که باران شروع شد. ابتدا فکر می‌کردیم یک باران معمولی است اما بعد از چند دقیقه تگرگ شروع به باریدن گرفت. در عرض چند دقیقه غوغائی برپا شد.

خودروام را روشن کردم تا راه بیافتیم و وارد شهر شویم اما در مدت کوتاهی ناگهان حجم زیادی از آب به سمتمان سرازیر شد. در آن لحظه تنها فکری به ذهنم آمد این بود که همسر و فرزندانم را از خودرو پیاده کردم و به سمت پله‌هائی که آن‌طرف تر بود فرستادم.

در همین زمان ناگهان آب به خودروی من رسید و غافلگیر شدم. خدا با من یار بود که توانستم از خودرو پیاده شوم و خودم را به همسر و فرزندانم برسانم. خودروام در مقابل چشمانم در آب فرو رفت. چند ساعت بعد که نیروهای امدادی از راه رسیدند و محدوده‌ای که خودروام را آب برده بود به آن‌ها گفتم و به این صورت بود که خودروام را پیدا کردند.

توجه کنید نیروی امدادی چند ساعت بعد به دروازه قرآن رسیده است؟!!

مصطفی مرتضوی، سخنگوی سازمان امداد و نجات از امدادسانی، در گفت‌وگو با ایسنا گفته است: «در سیل شیراز، ۹۰۴ نفر حادثه دیده و ۲۰۷ خانوار آسیب دیده‌اند. همچنین این حادثه ۵۱ مصدوم به جای گذاشت. دو نفر از مصدومان به ایلام منتقل شدند.»

به گفته او، «۴۵۶ خانوار در نمایشگاه بین‌المللی شیراز اسکان داده شده‌اند همچنین تیم‌های عملیاتی در ۴۵ نقطه درگیر عملیات سیلاب هستند.»

تصاویری نیز از آبگرفتگی بازار وکیل شیراز در خبرگزاری‌ها منتشر شده است. حسین درویشی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان فارس، به خبرگزاری ایسنا گفت: «آبگرفتگی در خیابان دروازه قرآن تا هفت‌تنان رخ داده است و در حال حاضر شش تیم عملیاتی در محل حضور دارند و جستجو و امدادرسانی ادامه دارد.»

علیرضا عدلو، مسؤول روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز، نیز خبر داد که بیش از شش مورد آبگرفتگی منازل و مجتمع‌های مسکونی و تجاری در بارندگی دوشنبه در این شهر رخ داده که احتمال افزایش این تعداد وجود دارد.

او ادامه داد: «قطعا تعداد آبگرفتگی‌ها تا ساعات آینده در شیراز افزایش خواهد یافت و اولویت تخلیه آبگرفتگی با منازل ناایمن است که احتمال تخریب آن‌ها وجود دارد.»

رودخانه خشک در واقع محل عبور سیل (مسیل) است که شیراز را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. این رودخانه غربی - شرقی نهایتا به دریاچه مهارلو یا نمک در شرق شیراز می‌ریزد.

مردمانی که بعد از حادثه پلاکارد به‌دست در محل حادثه ایستاده بودند. روی پلاکاردها نوشته شده بود به دلیل سیل اسکان و غذای رایگان برای مهمانان ما در شیراز. مردمی که بار دیگر محبت و مهمان‌نوازی شیرازی‌ها نشان دادند. البته شاید بعدا از سوی حکومت، مورد بازخواست قرار گیرند،

محمد درویش کارشناس محیط زیست درباره وقوع سیل در شیراز ویدئویی منتشر کرده که در متن این ویدئو آمده است: امروز در پنج‌مین روز فروردین سبل وحشتناکی مسافران نوروزی را غافلگیر کرد و صدها دستگاه خودرو را با خودش برد و خسارت چبران‌ناپذیری را به جا گذاشت.

نکته مهم از آن‌جا حایز اهمیت است که این اولین بار نیست چنین اتفاقی در دروازه قرآن شیراز اتفاق می‌افتد. در واقع جاده ورودی شیراز مشهور به دروازه قران یک بستر رودخانه بوده مشهور به حوزه ابخیز دروازه قرآن و یک رودخانه سیلابی بوده.

حوزه ابخیز مشهور به قرآن و سعدی و منتهی به رودخانه خشک شیراز میشده و از آن‌جا به سمت مهارلو می‌رفته است. این‌ها آمدند یک لوله کشیدند و روی آن لوله جاده کشیده‌اند و فکر می‌کردند همان لوله می‌تواند سیلاب را هدایت کند.

قبلا در سال‌های ۱۳۸۰، خسارت‌های جبران‌ناپذیری از همین نابخردی اتفاق افتاد و بسیاری از کارشناسان مرکز حفاظت آب و خاک مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس هشدار دادند که این کار اشتباه و حماقت بزرگی است که کسی گوشش بدهکار نبود.

به گزارش ایرنا، ششم فروردین به نقل از فرماندار بویراحمد، نوشت: پس از بارندگی های سیل آسا در کهگیلویه و بویراحمد، روستای «آبیدک» دهستان زیلائی در شهرستان بویراحمد بر اثر رانش زمین محو شد و هیچ اثری از آن وجود ندارد.

بویراحمد به‌عنوان بزرگ‌ترین شهرستان در استان کهگیلویه و بویراحمد نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد، مرکزیت شهرستان بویراحمد است.

شاهرخ کناری ادامه داد: بر اثر این حادثه تمامی منازل مسکونی، احشام و اراضی کشاورزی اهالی از بین رفت... هم اکنون تمامی مسیرهای منتهی به دهستان زیلانی مسدود شده است.

کناری افزود: آب شرب، برق، شبکه‌های ارتباطی و تلفن همراه این دهستان هم قطع است. او تأکید کرد که بارندگی بالای ۲۲۰ میلی‌متر و طغیان رودخانه‌های بشار و کبگیان سبب از بین رفتن مزارع پرورش ماهی، اراضی کشاورزی، گلخانه‌ها، پل‌های ارتباطی روستاها و ایجاد وضعیت بحرانی در شهرستان بويراحمد شده است.

راه ارتباطی و دسترسی ۶۰ روستای شهرستان بويراحمد به دلیل رانش زمین، ریزش کوه و یا از بین رفتن پل‌های ارتباطی مسدود شده است.

غلامرضا آقامیرزائی مدیرکل مدیریت بحران استانداری لرستان خبر داد که در روستای سنگسر یک زن جان باخت و یک نفر دیگر نیز مجروح شد. در استان لرستان، همچنین آب ۶۰ روستا و برق ۱۷۰ روستا نیز قطع شده است.

موسی خادمی، استاندار لرستان حجم تخریب و خسارات ناشی از سیل در این استان را «ب‌شدت بالا» و «بی‌شتر از حد تصور» اعلام کرد. به‌گفته خادمی جاری‌شدن سیل در لرستان بی‌شترین خسارات را به زیربناها و تأسیسات دولتی وارد کرده است. استاندار لرستان گفت در حوزه چگنی، معمولان و بخش مرکزی استان تقریباً تمام مسیر از خرم‌آباد تا پلدختر دچار مشکل شده و بی‌شتر راه‌ها و پل‌هایی که از جاده اصلی به سمت روستاهای پرجمعیت منشعب می‌شدند از بین رفته و پل‌های مسیر اصلی جاده نیز تخریب شده‌اند. افزون بر این، روستائیان با مسدود شدن و تخریب جاده‌ها قادر به عبور و مرور نیستند و سیل دسترسی آن‌ها به آب، برق و گاز را نیز مختل کرده است. خادمی وعده داده که خسارات از طریق کمک‌های بلاعوض، وام‌های معیشتی و بازسازی منازل با بهره‌کم جبران خواهد شد اما در مورد زیربناها و تأسیسات دولتی روند بازسازی زمان‌بر خواهد بود.

رضا فلاح مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان هم خبر داد که در برخی مناطق جنوب و شرق این استان از جمله ریگان، ارزوئیه، رودبار جنوب و کهنوج سیل رخ داده است.

سید حبیب‌الله موسوی، بخشدار معمولان پلدختر، اعلام کرد به‌دلیل قطعی راه‌های ارتباطی انتقال بیماران اورژانسی به مراکز درمانی وجود ندارد. به‌گفته بخشدار معمولان، بارندگی‌های اخیر و طغیان رودخانه کشکان خسارات زیادی به زیرساخت‌ها، اراضی کشاورزی، باغات، واحدهای مسکونی، پل‌ها، ابنیه و جاده‌های مواصلاتی شهر معمولان وارد کرده است.

حبیب‌الله موسوی بخشدار معمولان در شهرستان پلدختر نیز خبر داد که ۱۰۰ خانه این شهر به زیر آب رفته است. بخشدار معمولان گفت آب آشامیدنی شهر معمولان بر اثر سیلاب از صبح روز دوشنبه تاکنون قطع است: «ساکنان ۵۰ روستای بخش معمولان که راه‌ها و پل‌های ارتباطی آن‌ها قطع شده و ساکنان منازلی در شهر و روستاهای این بخش زیر آب رفته نیاز مبرم به آرد، سبذ غذایی، چادر و پتو دارند.»

مدیریت بحران استان کرمانشاه در اطلاعیه‌ای در مورد طغیان رودخانه الوند در سرپل‌ذهاب هشدار داد. در این اطلاعیه آمده است:

«ساکنان، مجاوران حریم و بستر رودخانه الوند در تمام مسیر (به‌ویژه در حوزه شهر سرپل‌ذهاب و قصرشیرین) با توجه به بالا آمدن سطح آب ناشی از بارش و طغیان چشمه‌ها و رودخانه ضرورت دارد از هر گونه تردد، سکونت موقت در حریم و نزدیکی رودخانه، به دلیل احتمال جاری شدن سیل و خطر غرق شدگی جدا خودداری کنند.»

کانکس زلزله‌زدگان سرپل‌ذهاب را آب برد.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌های ایران، در شهرستان سرپل ذهاب در استان کرمانشاه و برخی از مناطقی که کانکس‌های زلزله‌زدگان مستقر است، نیز سیل رخ داده و افراد ساکن در این کانکس‌ها جابه‌جا شده‌اند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان گفت: به دلیل بارش شدید باران و آب‌گرفتگی ناشی از آن، به حدود ۳۵۰ واحد مسکونی در این استان خسارت وارد شد.

منصور شیشه‌فروش سه‌شنبه ۶ فروردین در گفت و گو با ایرنا گفت: «واحدهای مسکونی خسارت دیده مربوط به شهرستان‌های شهرضا، دهاقان، فریدونشهر، سمیرم، چادگان و اطراف اصفهان است.»

در اثر بارش شدید باران برخی رودخانه‌های فصلی در دهاقان شامل بودجان و دزج فعال و پرآب شده است. در این مسیرها خسارت‌هایی نیز به زمین‌های کشاورزی و جاده‌های ارتباطی وارد شده است.

۴۰۰ خودرو هم در سیلاب گرفتار شده بودند که به گفته مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان آن‌ها به طور اضطراری اسکان داده شده‌اند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری بوشهر گفت: شایعه تخلیه شهر جدید عالى‌شهر و روستاهای اطراف منتشر شده در فضای مجازی صحت ندارد. به‌گفته این مقام مسئول استان بوشهر در پائین‌دست قرار دارد و احتمال سرازیر شدن روان آب‌های استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد به این استان وجود دارد.

به‌طور کلی ۲۰ استان در غرب و جنوب غرب کشور درگیر سیل شدیدی شده‌اند، تا حدی که تعدادی از اهالی ۱۱ روستا در شوش، ۶ روستا در شوشتر، ۱۲ روستا در دشت آدگان، ۶ روستا در دزفول و شهر رفیع در هویزه تخلیه شده‌اند و در منازل اقوام، مساجد و مدارس و اردوگاه‌های اسکان اضطراری، ساکن شده‌اند، برخی از سیل‌بندها تخریب شده‌اند و... وقوع چنین حادثه‌ای در این موقع از سال در استان خوزستان باعث تعجب افراد زیادی شده است.

بسیاری از متخصصان بر این عقیده‌اند که نمی‌توان سیل اخیر خوزستان را به‌طور قطع به تغییر اقلیم و گرم‌تر شدن کره زمین ربط داد، آن‌ها می‌گویند انگشت اتهام سیل اخیر همچنان به سمت تغییراتی است که انسان به‌طور مستقیم در طبیعت ایجاد کرده است.

تهران در معرض خطرات عیدیه‌ای است و دهه‌هاست کارشناسان در این مورد هشدار می‌دهند اما نه تنها این هشدارها به‌گوش سران و مقامات و نهادها حکومت اسلامی نرفته، بلکه آن‌ها به‌طور وحشیانه و خصمانه طبیعت این کلان شهر را نابود کرده‌اند.

به‌گفته کارشناسان و محققان، از اوایل دهه هفتاد ساخت ویلا و برج‌های مسکونی در حاشیه شمالی استان تهران سرعت گرفت. همین اتفاق در مناطق یک تا ۵ و منطقه ۲۲ شهر تهران با خواست طبقه نوسرمایه‌دار و همراهی شهرداری‌های وقت دنبال شد.

به گزارش خبرآنلاین، جمعیت شهر تهران طی یک دهه با حدود یک میلیون نفر افزایش از هفت میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در سال ۸۵ به حدود ۹/۲ میلیون نفر در سال ۹۷ رسید.

رشد جمعیت در پهنه شمالی تهران با رشد طبقه نوسرمایه‌دار و افزایش تمایل به ساخت ویلا در محدوده نیلای شمال تهران از سوی برخی ثروتمندان تهرانی و همچنین ساخت خانه، ویلا و برج در محدوده جاده‌ها و دامنه‌های سیل‌خیز، گسل‌ها و دامنه‌های فعال از نظر زمین‌لغزش همراه شد. با رشد جمعیت در تهران، ثروتمندان به اقامت در حومه تهران

بویژه شهر لواسان و ساخت ویلا در محدوده زردبند، اوشان، فشم، میگون و شمشک برای استراحت در زمان تعطیلات علاقه‌مند شدن.

در این ناحیه، سیل‌های متعدد در محدوده رودخانه‌های کن، گلابدره، میگون و زردبند رخ داده است که وقوع سیل در دهه ۳۰ و همچنین سیل مرداد ۶۶ و فروردین و تیر ۹۴، نمونه‌هایی از این وقایع در این منطقه است. وقوع سیل در کن (شمال غرب تهران)، سیجان (شمال شرق کرج) و همچنین زیرآب در تیر ماه ۹۴، سبب شد سیل‌های منطقه البرز بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. یکی از دلایل مهم وقوع سیل‌های سال‌های ۶۶ و ۹۴، ساخت بنا در ناحیه دامنه آبراهه‌ها و مخروط افکنه‌هاست که از مقایسه تصویر هوایی ثبت شده در سال ۱۳۳۵ با تصاویر امروزی و نقشه گوگل می‌توان به توسعه ساخت و سازها در این منطقه طی ۶۰ سال گذشته پی برد. این تغییرات در هر بارندگی شدید می‌تواند به وقوع سیل‌های بعدی منجر شود. این در حالی است که در ناحیه زردبند هتل پنج ستاره و هفت طبقه در حریم رودخانه احداث شده است. این ساختمان از اواخر سال ۹۰ در حال احداث بوده و مجوز احداث اولیه آن ۷۰۰۰ متر بوده که مراحل سفت‌کاری ۱۶ هزار متر بنای آن به پایان رسیده است. این هتل در حریم یکی از سرشاخه‌های رودخانه جاجرود واقع است و از نظر سلامت آب شرب تهران نیز تهدید منابع زیست شهر است. وقتی حریم رودخانه با ساخت بنائی با این مشخصات مورد تجاوز قرار می‌گیرد، زمینه سیل‌های بعدی در این رودخانه فراهم شده است.

در این ناحیه، نیلاقی همواره با سختی و محدودیت همراه است. راه موجود برای تردد در این منطقه همان مسیر قدیمی تهران به شمشک است که در دهه دوم سده حاضر (۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰) احداث و در پایان دهه ۴۰ با احداث تأسیسات ورزش اسکی و کوهنوردی با جاده‌ای صعب‌العبور به دیزین و ولایت رود (که در حال حاضر معمولاً از آبان تا خرداد سال بعد مسدود است) و در نهایت جاده چالوس متصل شده است. در همه روزهای تعطیل نوروز و آخر هفته‌ها اگر دیرتر از ساعت ۶ بعدازظهر قصد عبور از این جاده را داشته باشید، در ترافیک سنگین میگون تا گلندوک (لواسان) ساعت‌ها معطل می‌شوید؛ البته از سال ۹۲، جاده اوشان به میگون در حال تعریض است که خود این مساله موجب ناپایداری‌هایی جدید بویژه در حد فاصل فشم تا میگون شده است. با احداث این همه بنا و هنگام ترافیک سنگین، سازه‌ای طبیعی مانند زلزله یا سیل هم رخ دهد. پرسش این است که در چنین شرایطی، امدادسانی و تردد در این جاده چگونه ممکن خواهد بود. بدون تردید بجز تردد با بالگرد نمی‌توان از وسیله‌ای دیگر برای انتقال مصدومان کمک گرفت. این منطقه به دلیل جذابیت گردشگری در زمستان، یکی از مهم‌ترین نواحی شمال تهران برای ورزش اسکی است. در سال‌های اخیر، بویژه سال ۶۷ و ۸۸، وقوع بهمن موجب تلفات کوهنوردان و ورزشکاران اسکی‌بازی شد که در حال تردد در این ناحیه بودند.

بسیاری از باغداران و کشاورزان و دامداران در منطقه لواسانات و اوشان و شمیرانات زمین‌ها و باغ‌های خود را به افرادی فروخته‌اند که بابت این زمین‌ها مبالغ قابل توجهی را پرداخت کرده‌اند. این افراد یا منطقه را به قصد تهران یا حاشیه‌های دیگر آن ترک کرده‌اند یا در همان منطقه و محدوده به عنوان سرایدار، نگهبان، کارگر یا کارمندان نوسرمایه‌دار جدید مشغول کار هستند. آنچه ساکنان دائمی این نواحی را به فروش زمین و باغ‌های خود تشویق کرده، پیشنهاد قیمت‌های بالا برای آن‌ها بوده است؛ زمین‌هایی که در ناحیه سوهانک، سعدآباد، کن، حصارک، شمشک، میگون، فشم، اوشان تا لواسان به سرعت به آپارتمان و برج و مرکز خرید تبدیل شده‌اند.

با افزایش سریع ریسک سوانح فاجعه‌بار طبیعی، با افزایش احتمال رخداد تلفات و خسارت زیاد در هر زلزله، سیل و زمین‌لغزش احتمالی بعدی و افزایش ریسک مخاطرات انسانی یا به عبارتی آسیب‌های ناشی از حاشیه‌نشینی مواجه ایم. این نوع شهرسازی ناپایدار به فاجعه ختم می‌شود.

این سیاستی که در تهران به مرحله اجرا درآمده است کمابیش در همه استان‌های ایران پیاده شده است از این‌رو، این فاجعه نه تنها برای تهرانی‌ها، بلکه در کمین شهروندان سراسر ایران هم نشسته است.

محسنی بندپی استاندار تهران گفته با توجه به ویژگی‌های شهر تهران اگر در بالادست این شهر ۱۰ دقیقه رگبار ببارد احتمال وقوع سیل وجود دارد. او از مردم استان خواست با توجه به احتمال وقوع سیلاب، از تردد در حاشیه رودخانه‌ها خودداری کنند.

نهایتاً گسترش شهر تهران تا ارتفاع ۲۲۰ متری، باعث تفاوت ساختاری در بافت فیزیکی این شهر و در نتیجه مستعد مخاطرات طبیعی از جمله سیلاب شده است. مناطق ۲ و ۵ شهرداری تهران در شمال غرب تهران به دلیل مجاورت با حوضه‌های درکه، فرحزاد، و کن، بالا بودن سهم نسبی ساخت‌وسازها، بالا بودن نسبی تراکم مسکن و جمعیت، تغییر کاربری و وارد شدن به حریم رودخانه و بهره‌برداری نادرست از مسیل‌ها در معرض ناپایداری ناشی از سیلاب قرار دارد.

حسن روحانی، که در روزهای نخست فاجعه سیال، غایب بود صبح سه‌شنبه ۶ فروردین در جلسه ستاد مدیریت بحران کشور که در ساختمان ریاست جمهوری برگزار شد، با تأکید بر لزوم حفظ جان مردم در جریان وقوع حوادثی نظیر سیل، گفت:

«پایداری و حفاظت از سدها یک اصل بسیار مهم برای دولت محسوب می‌شود که با اقداماتی که در وزارت نیرو به صورت منظم انجام شده و الان نیز در حال پایش شرایط این سدها هستند، امیدواریم با توجه به بارندگی‌های پیش رو هیچ مشکلی در این زمینه نداشته باشیم.»

روحانی دروغگو و جانی، طلبکار هم شد و در پاسخ به انتقاداتی که در شبکه‌های اجتماعی از نحوه مدیریت سیل مطرح شده گفت: «مردم توجه داشته باشند که همه نیروها اعم از دولتی و نیروهای مسلح از ابتدای امر پای کار بوده‌اند؛ عده‌ای در فضای مجازی کاری انجام ندهند که هم اتهام، سخنی ناروا است و هم موجب مایوس کردن مردم می‌شود.»

سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران پیش از ظهر سه‌شنبه ۶ فروردین در حاشیه بازدید از مناطق سیل‌زده استان گلستان در جمع خبرنگاران گفت: «اولویت اصلی ما خروج و تخلیه آب است. باید لایروبی رودخانه قبلاً انجام می‌شد، اما متأسفانه انجام نشده و اکنون باید شرایطی را ایجاد کنیم که آب تخلیه شود. با توجه به وسعت منطقه و آبگرفتگی، به نظر می‌رسد در چند روز آینده تخلیه کامل انجام نشود، اما در تلاش هستیم این کار در کمترین زمان ممکن انجام شود.»

علی خامنه‌ای، رهبر حکومت تبهکار اسلامی نیز با صدور پیامی از امام جمعه شیراز خواست با سرعت و جدیت در امر امدارسانی به حادثه‌دیدگان شیراز بکوشد.

محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی، میزان خسارات ناشی از سیل در دو استان گلستان و مازندران را ۳۵۰ میلیارد تومان برآورد اولیه کرده است.

با این حال اسدالله قرمخانی، یکی از نمایندگان استان گلستان در مجلس، به خبرگزاری مهر گفت اگر دولت یک‌دهم مبلغی را که اکنون ناچار است برای جبران خسارت بپردازد قبلاً در پروژه‌های آبخیزداری استان هزینه کرده بود، «شاهد این حجم از خسارت به مردم گلستان نبودیم.»

به گفته او، اگر دولت اعتبار می‌داد و سدهای نرماب و چلچای تکمیل می‌شدند، امکان ذخیره‌سازی سیلاب وجود داشت و این میزان خسارت وارد نمی‌شد.

علی القاصی رئیس کل دادگستری استان فارس خبر داد که برای بررسی علل این حادثه پرونده‌ای تشکیل شده است. به گفته القاصی، بر اساس تحقیقات اولیه «رودخانه منتهی به دروازه قرآن لایروبی نشده بوده و مجرای عبور آب به طور کامل باز نبوده است و همین وضعیت موجب راه افتادن سیلاب شده است.» او همچنین گفت که با وجود هشدار سازمان هواشناسی درباره بارندگی شدید، دستگاه‌های مسئول «اقدامات پیشگیرانه لازم درباره لایروبی رودخانه مجاور دروازه قرآن و مهار سیلاب ناشی از بارندگی اقدامی انجام نداده‌اند.» عدم حضور شهردار شیراز در این شهر نیز انتقاداتی به دنبال داشته است.

در همین حال احمد رضا دستغیب، رئیس شورای شهر شیراز، گفت که «تلاش ما برای برقراری ارتباط با شهردار محترم بی‌نتیجه مانده است.»

شهر سیمرغ به زیرآب رفت. فرمانده سپاه در مازندران گفته شهر سیمرغ به دلیل وقوع سیلاب به طور کامل زیرآب رفته است. بر اثر سیلاب بیش از ۶ هزار و ۲۰۰ واحد مسکونی آسیب دید و ۶۰۰ واحد مسکونی نیز به طور کامل تخریب شد.

بیش از ۱۰ هزار واحد مسکونی بر اثر طوفان و سیل در گلستان خسارت دید. مدیرکل بنیاد مسکن استان گلستان گفت: پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۰ هزار واحد مسکونی بر اثر طوفان و سیل دچار خسارت شده که از این تعداد ۲ هزار و ۳۰۰ واحد مسکونی به صورت کامل تخریب شد و هفت هزار و ۷۰۰ واحد مسکونی دیگر نیز نیازمند تعمیر هستند. تسنیم

فرماندار ویژه گنبدکاووس گفت: سیلاب حدود ۳۰ درصد شهر گنبدکاووس را با جمعیتی بیش از ۳۰ هزار نفر در بر گرفته است.

به گفته محمود حجتی، وزیر جهاد کشاورزی ایران سیل اخیر ۵۰۰ میلیارد تومان به بخش کشاورزی استان مازندران خسارت وارد کرده است.

به گزارش ایرنا، حجتی گفته: «با وقوع سیل، بخش زراعی ۱۰۷ میلیارد تومان، باغبانی ۲۶۶ میلیارد تومان، دام و طیور و آبزیان ۶۷ میلیارد تومان و آب و خاک و امور زیربنایی ۱۱۵ میلیارد تومان خسارت متحمل شدند.» او همچنین گفته در استان گلستان، ۱۰۰ هزار هکتار از اراضی به زیر آب رفته و «مازندران هم از وضعیت خوبی برخوردار نیست.»

رئیس سازمان بازرسی کل کشور (وابسته به قوه قضائیه) گفت: استاندار سابق گلستان قطعاً باید پاسخگو اعمال خود باشد و سازمان بازرسی این موضوع را پیگیری می‌کند زیرا یک روز قبل از عید استاندار در استان بوده و سیل هم جاری شده، اما می‌گوید چیزی نیست و اتفاقی نمی‌افتد.

ناصر سراج در گفت‌وگو با تسنیم در پاسخ به این سؤال که چه زمانی گزارش این سازمان درباره قصور و تقصیرات احتمالی آماده و به رئیس قوه قضائیه داده می‌شود، گفت: به احتمال زیاد تا پایان هفته جاری گزارشی از وضعیت مناطق سیل زده و قصور و تقصیرات احتمالی به رئیس قوه قضائیه ارائه می‌کنم تا توسط آیت‌الله رئیسی مورد بررسی قرار گیرد؛ ضمن این‌که بازرسان سازمان بازرسی کل کشور نیز در مناطق سیل زده مستقر شدند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور درباره حضور نداشتن استاندار در هنگام بروز بحران در استان، گفت: استاندار سابق در حال رفتن به مرخصی بوده که سیل جاری می‌شود و مسئولان استان جلسه برگزار می‌کنند و وقتی به استاندار

موضوع را می‌گویند پاسخ می‌دهد که اتفاقی نمی‌افتد و آب به سمت دریا می‌رود؛ همه مردم منطقه آق‌قلا اذعان می‌کردند که اگر سیل دست کم گرفته نمی‌شد این خسارات‌ها به وجود نمی‌آمد.

مناف هاشمی که سفرش به خارج از کشور خبرساز شد و به عزل او از استانداری گلستان انجامید، در گفت‌وگویی با ایسنا، به‌خاطر عدم حضور خود در منطقه «در ۲۲ روز» عذرخواهی کرده است.

پیش‌تر یک کانال تلگرامی از قول مناف هاشمی نقل کرده بود که سفر او به خارج از کشور چندان عجیب نیست و در حال حاضر «۲۰ استاندار و یکصد نماینده مجلس در خارج از کشور هستند».

پس از آن‌که وزیر کشور صراحتاً اعلام کرد استاندار گلستان به‌خاطر مشکلات خانوادگی راهی خارج از کشور شده، مناف هاشمی در ادعائی جدید اعلام کرده بود که برای درمان جراحات ناشی از بمب شیمیائی در دفاع مقدس روز اول فروردین به خارج از کشور رفته است.

او در آخرین اظهارنظرها ادعا کرده بود که «درمانش را نیمه‌کاره رها کرده و به ایران برگشته است.» نام مناف هاشمی استاندار گلستان در میان دریافت‌کنندگان املاک نجومی در دوره قالیباف نیز دیده می‌شد. او در دوره شهرداری قالیباف، معاون او بوده و در دولت یازدهم نیز، معاون وزیر ورزش بوده است. مناف هاشمی از چهره‌های نزدیک به علی لاریجانی است که به واسطه او پست‌های کلیدی مهمی را در دولت‌های مختلف احراز کرده است.

اعضای تیم تحقیقاتی کریم عباسپور، دکترای علوم طبیعی، محقق و رئیس گروه خاک، آب‌های زیرزمینی و زباله در مؤسسه فدرال علوم و تکنولوژی مرتبط با آب سوئیس، در این رابطه چند سال پیش مطالعه انجام داده بودند و به این نتیجه رسیده بودند که تغییر اقلیم منجر به خشک‌سالی‌های مداوم و افزایش سیل در ایران می‌شود. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌داد که احتمال وقوع سیل‌های مرگبار در جنوب غرب و غرب کشور در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰ افزایش پیدا می‌کند.

احد وظیفه مدیرکل بخش پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی، در این رابطه چنین توضیح داده است: ببینید به هر حال اقلیم تغییر کرده و تغییرات آن هم ملموس است. یکی از این تغییرات هم در زمینه بارش است، موضوعی که باعث شده کاهش میانگین بلندمدت باران به اندازه ۵۰ میلی‌متر است.

اما در رابطه با بارش‌های اخیر باید این را بگویم که این بارش‌ها اصلاً ناگهانی نبود، ما از ۱۰ روز قبل انتظار آن را داشتیم، قبل از این اطلاعیه دادیم و حتی بارش را به شکل کمی برآورد کردیم.

اگر بارش‌های خوزستان را به‌شکل بلندمدت ببینیم سال‌های قبل هم این میزان بارندگی را در این استان تجربه کرده بودیم. به‌گفته احد وظیفه، مجموع بارندگی‌های استان اهواز در سال ۲۰۱۸ و ابتدای ۲۰۱۹، کمتر از سال ۱۹۹۷ میلادی است و به‌طور کلی این اظهار نظر که این بارش‌ها در ۴۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده اظهار نظر درستی نیست.

احد وظیفه توضیح داد: «به‌طور کلی یک فصل یا یک سال بارش زیاد را نمی‌توان به تغییر اقلیم نسبت داد. تغییر اقلیم یک موضوع بسیار فراگیر است و نمی‌توان هر تغییر کوچکی را به این موضوع ربط داد. از سوئی موضوع بی‌سابقه بودن بارندگی در ۲ روز هم باید بررسی شود، نباید مثل افراد عادی هیجان باشیم و وقتی یک باران آمد آن را به تغییر اقلیم ربط بدهیم و بگوئیم این نوع بارندگی‌ها بی‌سابقه بودند.»

مدیرکل بخش پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی در این رابطه چنین توضیح داده است:

«ببینید باران یک مساله است و سیلی که روی زمین جاری می‌شود یک مساله دیگر. از نظر بارش اتفاقی که افتاده بی‌سابقه نبوده، این‌که این بارش منجر به سیل شده عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد، عواملی مثل میزان باز کردن

دریچه سدها، از بین رفتن جنگل‌ها و ... خشک‌سالی از اصلی‌ترین موضوعاتی که باعث جاری شدن سیل روی زمین می‌شود، نبود منابع آبی باعث از بین رفتن پوشش گیاهی می‌شود، نبود پوشش گیاهی منجر به فرسایش خاک. مجموعه این اتفاقات باعث می‌شود تا دیگر آب کمتری توسط خاک‌ها جذب شوند و در نتیجه با بارش باران به‌سادگی سیل در مناطق مختلف جاری و از سوی دیگر با وزش باد، گردوخاک در هوا پخش شود. این اتفاقی است که اهواز هم با آن درگیر شده به‌طوری گزارش‌ها نشان می‌دهد که سالانه در هر هکتار از اراضی این منطقه ۲ تا ۵۰ تن خاک فرسوده می‌شود.

مدیریت بحران و سایر نهادهای حکومتی موظفند مردم را آموزش دهند تا در مواجهه با بلایای طبیعی چگونه عمل کنند. یعنی جامعه باید در مورد مخاطرات محیط زندگی خود، آگاهی لازم را کسب کند؛ همچنین باید درباره خطراتی که ممکن است این مخاطرات برای شما ایجاد کند، اطلاعات کافی به دست آورد.

اما حکومتی که کارشناس محیط زیست را در زندان می‌کشد و فعالین محیط زیست را در شکنجه‌گاه‌های سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات نگه دارد چه انتظاری می‌رود که جامعه را نسبت به مخاطرات محیط زیست آگاه سازد؟! ۲۲ دسامبر سال ۱۹۸۹ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب یک قطع‌نامه‌ای، دومین چهارشنبه ماه اکتبر را «روز جهانی کاهش بلایای طبیعی» نامگذاری کرد. به‌همین صورت در ایران هم ۲۰ تا ۲۵ مهر هفته کاهش بلایای طبیعی نامگذاری شده است.

«بلایای طبیعی»، کسی را خبر نمی‌کنند اما کارشناسان محیط زیست و زمین‌شناس می‌توانند وقوع آن‌ها را پیش‌بینی کنند. اما حکومت اسلامی ایران، هرگز به هشدارهای کارشناسان نه تنها توجهی ندارد، بلکه اگر آن‌ها بر روی نظریه‌های علمی خود پافشاری کنند سر زندان و شکنجه و قتل و اعدام درمی‌آورند.

افزایش دما و گرمادگی، سرعت‌های زیاد باد و وقوع طوفان، ریزگردها، بارش‌های تندری و وقوع نگرگ، یخبندان و سرمازدگی، رعد و برق، سیل، زلزله و ... هر کدام از این موارد می‌تواند به تنهایی جان و مال مردم را تهدید کند. همه ما از زلزله و سیل می‌ترسیم؛ اما باید دانست که این ترس به تنهایی کارساز نیست. چرا که ما باید ترس‌مان را به یک ترس آگاهانه تبدیل کنیم و متناسب با آن برای مقابله با حوادث آموزش دید و آموزش داد. در چنین روندی، حداقل از استرس مواجهه‌مان با حوادث کاسته می‌شود و هنگام اتفاق، درست‌تر و با اطمینان‌تر می‌توانیم تصمیم بگیریم. این حق مردم است که بدانند حکومت اسلامی ایران در این چهار دهه، چه بلایی به سر محیط زیست ایران آورده است؟

موقعی که بی‌رحمانه جنگل‌ها از بین می‌برند، سدهای غیرکارشناسی با هدف کسب سود می‌سازند؛ شهرسازی آلوده به فساد اقتصادی دولتی است؛ به دفن تفرقه‌های اتمی، شیمیائی و غیره اهمیتی نیم دهند و ... طبیعی ست که عواقب و عوارض خطرناک آن متوجه مردم و محیط زیست می‌شود.

آمادگی عمومی در برابر حوادث و بلایا موجب کاهش ترس و اضطراب و نیز کاهش خسارات ناشی از سوانح می‌شود. جامعه، خانواده و شهروندان آگاهند که به هنگام وقوع آتش‌سوزی چه باید بکنند و به هنگام وقوع طوفان، زلزله یا سیل به کجا پناه ببرند. مردم باید آماده باشند تا به هنگام ضرورت خانه‌های خود را ترک کنند و در پناهگاه‌های عمومی استقرار یابند. در چنین اوضاعی شهروندان باید بدانند که چگونه نیازهای اولیه پزشکی خود را تأمین کنند. مردم با انجام این اقدامات پیشگیرانه می‌توانند دامنه خسارات ناشی از سوانح را کاهش دهند از جمله ساخت سیل‌بند، ارتفاع‌دادن به خانه‌های مسکونی یا جابه‌جائی محل سکونت از مسیر خطر و محکم‌کردن وسایلی که در جریان زمین‌لرزه احتمال سقوط آن‌ها می‌رود و یا به‌طور کلی خود را از گزند خطر دور نگه دارند. هر یک از حوادث و بلایا برای شهروندان و امکانات جامعه می‌تواند عواقب طولانی مدتی به‌همراه داشته باشد. اگر در جامعه حادثه یا بلایی روی بدهد، حکومت،

مدیریت بحران و سازمان‌های امداد رسان موظفند به سرعت اقدام به ارایه کمک کنند نه این که مردم بدون آموزش و با دست خالی به جنگ این بلایا بروند و قربانیان بیش تری بدهند.

خسارت بلایای طبیعی، علاوه بر ضایعات جانی، می‌تواند برای سال‌های سال کشوری را از پیشرفت اقتصادی عقب بیندازد؛ چون که سرمایه‌ها باید برای بازسازی هزینه شود.

یک معضل زیست‌محیطی ۳۵ ساله هنوز در جنگل‌های اطراف سراوان حل نشده است: یک کوه زباله ۱۰۰ متری. اینفوگرافی این گزارش با استفاده از نقشه ناهمواری زمین سازمان فضائی امریکا (ناسا) و تلفیق آن با نقشه ماهواره‌ای گوگل، پوشش گیاهی و شیب جنگل‌های منطقه و ابعاد فاجعه‌بار مرکز دفن زباله سراوان را نشان می‌دهد.

بنا به گزارش وبسایت خبری محیط زیست ایران، مرکز دفن زباله سراوان ۱۳۶۳ در جنگل‌های اطراف این شهر آغاز به کار کرده است. به گفته فاطمه شیرزاد رئیس کمیسیون بهداشت شورای شهر یزد، زباله بیش از ۳۰ شهر استان گیلان در این مرکز دفن می‌شود.

استان گیلان به لحاظ مدیریت زباله در وضعیت مطلوبی نیست و دفن زباله در ۲۶ مرکز مخصوص به شیوه‌ای غیر اصولی انجام می‌شود. به گفته سعید متصدی معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست، دو سال پیش روزانه دو هزار تن زباله در گیلان تولید می‌شده است که تنها ۴۰۰ تن آن بازیافت و به کود کمپوست تبدیل، و مابقی دفن می‌شدند.

اما نمونه سراوان از هر نظر در آسیب‌زا بودن و فاجعه‌آفرینی منحصر به فرد است و علی‌رغم گزارش‌های متعدد و وعده‌های فراوان، هنوز کسی به فکر حل اساسی آن نیست. از ۱۶۰۰ تن زباله بازیافت‌نشده استان گیلان ۶۰۰ تن آن روزانه به مرکز دفن زباله سراوان در منطقه «گذرخان عمو» می‌رسد. به همین دلیل ساخته‌شدن کوه ۱۰۰ متری زباله شگفت‌آور نیست، اما مسأله ابعاد به مراتب وحشتناک‌تری دارد.

حجم و ارتفاع بالای زباله‌ها خطر رانش را به وجود آورده‌اند. فاطمه شیرزاد تیر ماه گذشته، اعلام کرده بود کوه زباله سراوان «اخیراً» دچار رانش شده است. رانش زباله‌ها محیط زیست بیش‌تری را زیر آن‌ها فرو خواهد برد. به علاوه، جان افرادی را که در نزدیکی آن باشند، به خطر خواهد انداخت. احسان‌الله شکری، رئیس اداره پایش اداره کل محیط زیست گیلان سال ۹۶ گفته بود که رانش زباله‌ها باعث از بین رفتن تأسیسات تازه‌ساز تصفیه‌خانه برای مرکز دفن سراوان شد.

انتخاب محل دفن زباله کارشناسی‌نشده به نظر می‌رسد. شیب این منطقه رو به دریای خزر است و به همین خاطر، شیرابه انبوه و غلیظ این کوه ۱۰۰ متری به سمت جنگل‌ها روانه می‌شود. این شیرابه به رودخانه‌های زرجوب و گوهررود می‌ریزد و آب آلوده‌شده آن‌ها نیز پس از عبور از رشت و بندر انزلی به تالاب انزلی و نهایتاً به دریاچه خزر می‌رسد. در فصل بارانی، شیرابه رقیق‌تر و زیادتر می‌شود اما در فصل خشک و گرم، بالا رفتن غلظت شیرابه به شنیده‌شدن بوی تعفن در سرتاسر مسیر رودخانه‌های یادشده می‌انجامد. هم‌زمان با روانه‌شدن این میزان شیرابه، تالاب بندر انزلی بدترین وضعیت‌اش را از نظر آلودگی و میزان شوری از سر می‌گذرانند.

همان‌طور که انتظار می‌رود، زباله‌ها و شیرابه حاصل از آن‌ها بر زیست‌بوم طبیعی منطقه تأثیر گذاشته‌اند و پوشش گیاهی و جانوری را تخریب کرده‌اند. جنگل، رودخانه‌ها، تالاب انزلی و دریاچه خزر همگی زیست‌بوم‌هایی پراهمیت هستند. به علاوه، گزارشگران از چرای گاو‌ها در میان زباله‌های مسموم خبر می‌دهند که گوشت و شیر آن‌ها به بازار می‌رود.

مشکل دیگر دفن این حجم از زباله، تجزیه تدریجی زباله‌ها و انتشار گاز متان حاصل از آن است که باعث احتراق این گاز در هوا و تولید میزان زیادی از گرما و دود غلیظی از دی اکسید کربن می‌شود. بیش از شش سال پیش، خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران (ایسنا) وضعیت مرکز دفن سراوان را چنین توصیف کرده بود:

«پیچ و خم جاده میان جنگل زیبای سراوان ناگهان ما را به محل دفن زباله‌ها می‌رساند که از دود غلیظی پوشانده شده است. این دود غلیظ که ناشی از سوختن زباله‌ها است، گلو را می‌سوزاند و قدرت تنفس را از انسان می‌گیرد. در این میان ناگهان چشمان ما به مشعل‌های در حال سوختن گاز داخل انبوه زباله‌ها خیره می‌شود. ابتدا تصور می‌کنی که سر از مناطق نفت‌خیز کشور درآورده‌ای و یا به میداین استخراج گاز وارد شدی... در ایام ابری و مه‌آلود به علت سنگینی هوا و جریان‌داشتن باد، دود عصرها به سمت روستاها و مناطق پائین‌دست سرازیر می‌شود و زندگی را بر ساکنان این منطقه سخت می‌کند.»

وضعیت کماکان تغییر چندانی نکرده. در واقع بدتر شده است. اگر آمار این گزارش درست باشد، شمار شهرهائی که زباله‌هایشان به سراوان می‌رسد، به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.

معضل دیگر نیز ایمنی و بهداشت کار برای کارگرانی است که در محل دفن زباله سراوان باید کار کنند. بر اساس عکس‌های منتشر شده، آن‌ها از وسایل ایمنی کافی برخوردار نیستند و سلامتی‌شان در معرض خطر جدی قرار دارد. مردم محلی بارها به وجود این کوه زباله اعتراض کرده‌اند و حتی با تشکیل زنجیره انسانی تلاش کرده‌اند در روند حرکت کامیون‌های زباله اختلال ایجاد کنند. با هر مقیاس و سنجش ۳۵ سال زمانی مناسب برای اصلاح، توجه کافی و چاره‌اندیشی است. مسؤولان محلی و کشوری اما در مورد مرکز دفن زباله سراوان چنین نکرده‌اند. به همین خاطر، گروه محیط زیست زمانه دادخواستی را درباره این موضوع خطاب به آن‌ها در لینک زیر منتشر کرده است.

این دادخواست خطابی است برای آن‌که ما شهروندان تعهد خودمان را به آینده محیط زیست ایران - و آینده آیندگان آن جغرافیا - نشان بدهیم. و برای مسؤولان، اتمام حجتی که یک معضل ۳۵ ساله را دیگر باید هر چه سریع‌تر حل کنند. چندی پیش انجمن علمی برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران در سالن مطهری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه، میزبان نشست تخصصی درباره محیط زیست و علوم اجتماعی با عنوان «سد لاسک» بود. طبق اعلام قبلی قرار بود در این نشست حسین ایمانی استاد دانشگاه تهران، احسان هادی‌پور رئیس اداره محیط زیست بندرانزلی و پونه نیکویی فعال محیط زیست، نظرات موافق و مخالف‌شان را با حاضران در میان بگذارند.

اما به‌گفته آرمین ایل‌بیگی از فعالان محیط زیست و از بانیان برگزاری مراسم، رئیس اداره محیط زیست بندرانزلی به دلیل مخالفت سازمان محیط زیست گیلان اجازه شرکت در سالن مطهری دانشکده علوم اجتماعی تهران را پیدا نکرد. این نشست با نمایش «مستند تالاب‌های خزری» به کارگردانی سعید نبی آغاز شد. مستندی که علاوه بر تصویر موقعیت جغرافیائی تالاب و آبریزهای آن، نماهای مختلفی از پرندگان تالابی و قایق‌ها و صیادان را به تصویر کشیده بود. قایق‌هائی که سال‌های قبل در تالابی با عمق ۱۰ متر بدون دغدغه حرکت می‌کردند اما اکنون عمق تالاب به وضعیت فاجعه‌بار حدود یک متر رسیده است و در بعضی از قسمت‌های تالاب انزلی به دلیل خشکی و کم‌آبی امکان آلوده شدن وجود ندارد.

در چنین وضعیتی فعالان محیط زیست گیلان از ساخت سدی با عنوان لاسک مطلع شده‌اند. سازه غول پیکری که با شرایط موجود می‌تواند مرگ حتمی تالاب انزلی را رقم بزند.

در این نشست دانشگاهی، از «مافیای سدسازی» در ایران سخن گفته شد و این‌که در بسیاری از مناطق ایران بدون منطق و توجه به وضعیت اکولوژیکی و پیوست‌های زیست محیطی صدها سد ساخته شده که در نهایت زیان‌های

جبران‌ناپذیر فعلی را برای طبیعت و زندگی هزاران ایرانی به‌وجود آورده است. به‌گونه‌ای که به‌خاطر بی‌آبی و وجود ریزگردها هزاران تن از ساکنان مناطق جنوبی و غربی ایران محل آباء و اجدادی خود را ترک کرده و در مناطق دیگر و عموماً حاشیه شهرها ساکن شده‌اند.

آروین ایل‌بیگی دانش‌آموخته عمران و فعال محیط زیست هم در صحبت‌هایش بارها نسبت به نامساعدتر شدن وضعیت تالاب انزلی در این نشست هشدار داد. او با ذکر این نکته که از ۳۰۰ سال پیش ماهی‌گیری شغل اصلی انزلیچی‌ها بوده توضیح داد که دریا و صیادی و تیم فوتبال ملوان با هویت ساکنان این شهر بندری گرم‌خورده است. ساکنانی که تالاب پرخیز و برکت را نه مرداب و تالاب که «کوجی دریا» یعنی دریای کوچک و دریای کاسپین را «پيله دریا» یعنی دریای بزرگ می‌خوانند.

ایل‌بیگی یکی از دلایل اهمیت تالاب انزلی را تخم‌ریزی ماهیان اصلی دریای کاسپین در این تالاب عنوان کرد و گفت؛ اما به‌دلیل طوفان آلودگی‌ها طی سال‌های اخیر همه‌چیز رو به افول گذشته است. این فعال محیط زیست با استناد به آمارهای رسمی گفت: طبق این آمارها در سال ۸۰ میزان استحصال خاویار در این دریا ۱۶۰۰ کیلوگرم با درآمد ۳۶۰ میلیارد تومان برای کشور بود. اما این عدد در سال ۹۵ به ۱۸۱ کیلو یعنی به ارزش تنها ۴ میلیارد تومان رسیده است. او میزان صید ماهیان خزری را در سال ۸۰، ۳۶ هزار تن اعلام کرد که در سال ۹۵ به ۱۳ هزار تن کاهش رسیده است.

ایل‌بیگی با ذکر این نکته که مدیران و کارشناسان شرکت آب منطقه‌ای گیلان هم مانند هم‌تایانشان در سراسر ایران شیفته سدسازی هستند گفت؛ رئیس آب منطقه‌ای گیلان بارها اعلام کرده است که ساخت ۱۹ سد برای گیلان را در دستور کار دارند.

یکی از ۱۹ سد مدنظر هم سد لاسک است که قرار است روی رودخانه امام‌زاده ابراهیم شهرستان شفت در غرب استان گیلان ساخته شود. همان رودخانه‌ای که با فاصله ۴۰ کیلومتری سال‌هاست به تالاب انزلی می‌ریزد و یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین کننده آب تالاب انزلی است.

ایل‌بیگی توضیح داد؛ «مدافعان ساخت سد لاسک می‌گویند میزان آبی که از ورود به تالاب انزلی بعد از ساختن سد کم می‌شود بین ۷ تا ۱۲ درصد است و دائماً تکرار می‌کنند که دبی آب عددی نیست. اما مشکل این است که تلاش همه‌جانبه‌ای وجود دارد که روی تمام رودخانه‌ها یک سد احداث کنند و اگر حتی این ۷ یا ۱۲ درصد را کنار هم بگذاریم در نهایت آبی برای ریختن به تالاب باقی نمی‌ماند.»

فعالان محیط زیست در گیلان و کشور سال‌هاست که از وضعیت بحرانی تالاب انزلی می‌گویند. تالابی بین‌المللی که عمقش به دلیل خشکی و کم‌آبی و انباشت رسوب از ۱۰ متر به کمتر از یک متر رسیده است.

آن‌ها مدت‌هاست با ساخت سد لاسک مخالفت می‌کنند. همان سدی که مطالعات اولیه برای ساختش به دولت سازندگی اکبر هاشمی رفسنجانی برمی‌گردد و از ۲۰ سال قبل تصمیم گرفته شد این سد احداث شود. اما به‌طور مداوم با مخالفت فعالان محیط‌زیست و اساتید دانشگاه روبه‌رو شده است.

به‌گفته ایل‌بیگی، در میان این مخالفت‌ها و هشدارها، شهروم‌ماه گذشته رضا اردکانیان وزیر نیرو برای کلنگ‌زنی سد به شهرستان شفت سفر کرد که با مخالفت‌های فعالان محیط زیست کلنگ افتتاح سد به زمین زده نشد. اما افتخاری نماینده فومن و شفت بارها اعلام کرده است که ساخت سد متوقف نشده، بلکه به تعویق افتاده و تحت هر شرایطی سد لاسک ساخته می‌شود.

این فعال محیط زیست اضافه کرد؛ «در ۳۰ دی ۹۷، از اخذ مجوزهای نهائی برای ساخت سد خبر دادند؛ سدی که ابتدا قرار بود لاستیکی باشد اما اکنون حرف از سد خاکی و مخزنی بزرگ است. در واقعیت امر هم تفاوت این سدها در عدد بودجه است و میزان سودی که پیمانکاران از ساخت آن بهره‌مند می‌شوند.»

ایل‌بیگی با انتقاد از وضعیت حاکم بر کشور در زمینه فرهنگسازی گفت: در سال ۹۴ در گیلان ۳۸۲ هکتار جنگل‌کاری شده است. اما آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ۳۱۶ هکتار از جنگل‌های منطقه هم توسط مسافران و اشتباهات انسانی در آتش سوخته است و غم‌انگیز آن‌که فقط در نوروز ۹۷، ۱۵۰ هکتار از جنگل‌های منطقه در آتش زغال شدند.

ایل‌بیگی با ذکر این نکته که «وقتی استراتژی غلط است از کدام فرهنگسازی صحبت می‌شود گفت؛ «وقتی ۳۰ درصد آب شرب در خطوط آبرسانی کشور هدر می‌رود. چرا مانع از هدر رفت آن نمی‌شوند؟ چون «مافیای سدسازی» در ایران حل تمام مشکلات را با ساخت سد پیوند زده است. کسانی که هرگز دل‌شان برای منابع طبیعی نمی‌سوزد. نمونه بارز آن دریاچه ارومیه است که با همین توجیهات دم‌دستی و بدون ارزیابی‌های همه‌جانبه ۱۲۰ سد در حوزه بالادست ارومیه احداث شد. وقتی هم که دریاچه به‌طور کامل خشک شد و منطقه در آستانه فاجعه‌ای عظیم قرار گرفت؛ عزا گرفتند و برای نجات آن بودجه میلیاردی درخواست کردند.»

این فعال محیط زیست ادامه داد؛ «قابل پیش‌بینی است که برای تالاب انزلی هم همین سناریو را نوشته‌اند. چون تاکنون دو سد بزرگ در حوزه آبریز آن احداث شده و لاسک سومین سد بزرگ مدنظر است و در کنار آن در حال برنامه‌ریزی برای ساخت ۱۹ سد دیگر هم هستند.»

ایل‌بیگی با انتقاد از سازمان محیط زیست گفت؛ «آقای کلانتری رئیس سازمان محیط زیست کشور به تمام مجموعه زبردستی‌اش قبولانده که تالاب انزلی خشک شده است و حاضر به گفت‌وگوهای علمی درباره موضوع نیستند و شاهد هستیم که برای شرکت در یک نشست دانشگاهی هم از سازمان محیط زیست گیلان مانع حضور رئیس اداره محیط زیست انزلی در نشست شده‌اند.»

او با دفاع از جمعیت دانشگاهی گیلان هم گفت: «در کمیته ارزیابی سد لاسک دو تن از اساتید دانشگاهی هم حضور داشتند که هر دو به‌خاطر مخالفت با پروژه خط خوردند و در حال حاضر هم از حضورشان در جلسات بررسی دانشگاهی یا ان جی او‌ها جلوگیری می‌شود.»

ایل‌بیگی در پایان اظهاراتش تأکید کرد؛ برخلاف تبلیغات صورت گرفته، فعالان محیط زیست به فکر اشتغال مردم هستند اما نمی‌پذیرند که اشتغال‌زایی با از بین بردن میراث طبیعی کشور همراه باشد.

از یک هفته پیش، با شدت گرفتن باد و باران ظرف چند دقیقه سیل به راه افتاد و باعث غافلگیری بسیاری از مردم در استان‌های مختلف کشور شد و خسارات جانی و مالی زیادی به‌ویژه در ارتفاعات و مناطق کوهستانی به‌بار آورد. اما سؤال این‌جاست که چه عواملی باعث شده تا با وجود پیشرفت علم هواشناسی و افزایش امکانات باز هم شاهد غافلگیری و بروز خسارات فراوان باشیم!

رئیس ستاد محیط زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران، علت اصلی جاری شدن سیلاب‌های اخیر را تخریب منابع طبیعی و محیط زیست می‌داند، از نظر وی مهم‌ترین علت سیل‌های اخیر به دلایل زیر است:

- تخریب ۳۰ درصد اراضی جنگلی طی نیم قرن اخیر

- افت کیفیت پوشش‌های گیاهی. (به‌طوری که بیش از ۹۰ درصد پوشش گیاهی و مراتع در شرایط ضعیف قرار دارد و در حال تخریب است)

- مدیریت فقط ۱۰ درصد از حوزه آب‌خیزداری کشور
- چرای بیش از حد دام در مراتع کشور
- تبدیل اراضی منابع طبیعی به کاربری‌های ناپایدار مانند اراضی کشاورزی
- محمد حاج رسولی‌ها مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران نیز علت اصلی وقوع سیل اخیر و خسارات ناشی از آن را ناشی از این عوامل عنوان می‌کند:
- تصرف و تغییر اراضی در حریم و بستر رودخانه‌ها
- وضعیت پوشش گیاهی
- شدت بالای بارندگی
- مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران هم مهم‌ترین علت جاری شدن سیلاب در تهران را این گونه معرفی می‌کند:
- دست خوردگی حوضه آبریز
- خالی کردن اراضی منابع ملی از درخت و پوشش گیاهی
- ساخت وسازها در حریم و بستر رودخانه، ابنیه و احداث تأسیسات راه‌آه

بمطور معمول پس از حوادثی مانند ریزش ساختمان پلاسکو، قطع آب و برق در بخش وسیعی از خوزستان و جاری شدن سیل در شماری از استان‌های جنوبی، بحث ضعف‌ها و کاستی‌های مدیریت بحران در ایران نیز بالا می‌گیرد. در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۵، انتقاد از نحوه برخورد با بحران‌هایی که تعدادشان کم هم نبوده، چنان شدت گرفت که معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران، اسماعیل نجار نیز از ضعف‌های ساختاری و به‌روز نبودن تجهیزات لازم برای مواجهه «متناسب با حوادث منطقه‌ای هر استان» سخن گفته است. به‌گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد مدیریت بحران، اسماعیل نجار ۱۷۱۷ اسفند ۹۵، در بازدید از استان هرمزگان با اشاره به این هدف‌گذاری گفت: «البته دستیابی به این هدف کار دشوار و زمان‌بری است، اما برای کاهش مرگ و میر و خسارات سنگین حوادث در کشور ناگزیر به حرکت در این مسیر هستیم.»

معاون وزیر کشور در سفر به هرمزگان درباره علت ناکارآمدی و نارسائی اقدام‌های پیشگیرانه گفته است: «طی چندین دهه گذشته، شهرها گسترش یافته، تأسیسات زیر بنائی قابل توجهی احداث شده و رشد جمعیت آهنگ سریعی داشته اما به موازات آن اقدامات لازم برای در امان ماندن در برابر سوانح و حوادث کمتر مورد توجه قرار نگرفته و آسیب‌پذیری موجود بسیاری جوامع از همین غفلت ناشی می‌شود.»

کمتر از یک ماه، یعنی ۲۳ بهمن ۱۳۹۵، با افزایش شدید گرد و غبار و رطوبت، شماری از نیروگاه‌های برق استان خوزستان از کار افتادند و در پی آن به دلیل قطع آب و برق اداره‌های دولتی و مراکز آموزشی ۱۱ شهر این استان تعطیل شدند.

این وضعیت گرچه در خوزستان سابقه‌دار و قابل پیش‌بینی بود، با این همه تصفیه‌خانه‌ها و پمپ‌های تأمین آب شرب استان به دلیل مجهز نبودن به تأسیسات تولید برق اضطراری تا رفع مشکلات شبکه سراسری از کار بازماندند. در جریان آتش‌سوزی و فروریزی ساختمان پلاسکو در تهران (۳۰ دی ۹۵) نیز که در آن مطابق اعلام پزشکی قانونی بیش از ۲۰ نفر، از جمله ۱۶ مأمور آتش‌نشانی جان خود را از دست دادند، بحث‌های زیادی درباره نقص ایمنی و اقدام‌های پیشگیرانه و نارسائی‌های شدید در مدیریت بحران مطرح شد.

احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران به خبرگزاری ایسنا گفت که پس از وقوع آتشسوزی در ساختمان پلاسکو، هیچ مدیریت بحرانی در محل وجود نداشته است. او افزود باید دید که چگونه می‌توان مدیریت بحران پایتخت را بهتر مدیریت کرد.

محمدباقر قالیباف، شهردار وقت تهران که به‌خاطر حادثه پلاسکو با انتقادهای شدیدی روبه‌رو شد، ۲۷ بهمن ماه ۹۵، ضمن عذرخواهی از مردم اذعان کرد: «باید این نکته را بپذیریم که خود مدیریت بحران در کشور دچار بحران است.» امیر محمودزاده، رئیس پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی حدود دو هفته پس از حادثه پلاسکو با ابراز تأسف از این که در ایران «ساختار مدیریت بحران بسیار ضعیف است»، فقدان یک اتاق فکر منسجم، اشتباه گرفتن مدیریت بحران با امداد و نجات و ناکافی بودن تجهیزات آتش‌نشانی برای شهری مانند تهران، را از مهم‌ترین مشکلات حادثه پلاسکو عنوان کرد.

در روزهای پایانی بهمن ماه و ابتدای اسفند نیز با خسارت‌هایی که سیلاب ناشی از بارندگی‌های شدید در استان‌های فارس، هرمزگان، کرمان و بوشهر به‌همراه آورد بار دیگر مسأله ضعف‌های ساختاری بحران مدیریت در ایران و کم‌توجهی به مدیریت ریسک از سوی کارشناسان مطرح گردید.

غلامرضا پورحیدری رئیس انجمن علمی مدیریت بحران ایران اول اسفند به خبرگزاری فارس گفت: «متأسفانه برخورد با حوادث همچنان براساس رویه‌های کهنه یعنی مقابله نسبی با حوادث به وجود آمده، صورت می‌گیرد و مدیریت ریسک به‌معنای تعبیه ساختارهای مدیریتی، انجام مطالعات لازم و ترسیم نقشه مخاطرات و تهدیدات در هر منطقه، استان، شهر و روستا، در کشور ما جایگاهی ندارد و بنابراین مرتباً با حوادث پیش‌بینی نشده، روبه‌رو می‌شویم.» طی یک قرن گذشته، به‌منظور «مدیریت حوادث و سوانح» در ایران، وظایف و مسؤولیت‌هایی برای دستگاه‌ها، نهادها و وزارتخانه‌های مختلف تعریف شده که در عمل با هم تداخل پیدا کرده و مانع وجود مدیریت یکپارچه بحران‌ها می‌شدند.

سابقه شکل‌گیری ستاد مدیریت بحران کشور، به شکلی که اکنون نیز وجود دارد به قانونی باز می‌گردد که پنجم دی‌ماه ۱۳۸۶ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

مطابق قانون این ستاد به‌عنوان نهادی وابسته به وزارت کشور و «به‌منظور ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی و انسجام در زمینه‌های اجرایی و پژوهشی، اطلاع‌رسانی متمرکز و نظارت بر مراحل مختلف مدیریت بحران و ساماندهی و بازسازی مناطق آسیب دیده» تشکیل شد.

افزون بر این در اساس‌نامه و شرح وظایف بسیاری از نهادها دیگر مانند سپاه پاسداران، بسیج، ارتش، جمعیت هلال احمر، سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌های نیرو، دفاع، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی، و شمار دیگری از دستگاه‌ها نیز اقدام‌هایی برای مقابله به بحران پیش‌بینی شده است.

با این همه دخالت مسؤولان ارشد دولت برای مدیریت برخی بحران‌ها، از جمله حضور معاون اول رئیس‌جمهور اسحاق جهانگیری در خوزستان پس از معضل قطع آب و برق در این استان، نشان می‌دهد که ستاد مدیریت بحران از توانایی و اختیارات لازم برای انجام وظایفی که بر عهده دارد برخوردار نیست.

بر همین اساس بسیاری از کارشناسان، مدیریت بحران در شرایط کنونی را بحران‌زده توصیف می‌کنند و شماری از نمایندگان مجلس با تشریفاتی خواندن ستاد مدیریت بحران خواستار انحلال آن شده‌اند.

رئیس انجمن علمی مدیریت بحران ایران، معتقد است: «عدم وجود متولی توانمند و مقتدر در حوزه مدیریت بحران در کشور، سبب شده که مخاطرات پیش‌بینی نشده و به تبع آن اقدامات پیشگیرانه لازم، طراحی و اجرا نشوند.»

روزنامه قانون در گزارشی که دوم اسفند ماه ۹۵، منتشر شد با طرح این پرسش که چرا رئیس سازمان مدیریت بحران کشور پاسخگوی عملکرد ضعیف خود نیست به نقل از عباس پاپی‌زاده، نماینده دزفول در مجلس نوشت: «سازمان بحران کشوری که بودجه و امکانات در اختیارش نیست، بهتر است منحل شود.»

نماینده دزفول می‌گوید دولت به این ستاد روی کاغذ، اختیاراتی داده اما در عمل شاهدیم که این نهاد «در بحث بودجه برای جبران خسارات و بسیج کردن دستگاه‌های مختلف هیچ اختیاری ندارد و با روال کنونی بود و نبود ستاد بحران تفاوتی نمی‌کند.»

به گزارش روزنامه قانون، حسین علی‌شهریاری، نماینده زاهدان نیز با غیرقابل قبول خواندن عملکرد ستاد مدیریت بحران، گلایه کرده که این سازمان «شکل تشریفاتی» پیدا کرده است.

پس از بحران قطع آب و برق در خوزستان جلسه‌ای از سوی دولت با حضور معاون اول رئیس‌جمهور، وزیران کشور، نیرو، دفاع، اطلاعات، جهاد سازندگی، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، استاندار خوزستان، و سه نماینده این استان در مجلس برگزار شد.

علی‌ساری، نماینده اهواز در مجلس، اول اسفند ۹۵، به خبرگزاری ایسنا گفته است که به رغم حضور مسئولان ارشد دولت در این نشست، «جلسه در حد و اندازه مشکلات خوزستان نبود» و در آن تنها به ارائه گزارش‌های کاری به‌ویژه از سوی وزیر نیرو در زمینه آخرین وضعیت برق خوزستان و شست‌وشوی تأسیسات پرداخته شد.

مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی معتقد است یکی از علت‌های بالا بودن میزان آسیب و خسارت حوادث طبیعی در ایران به روز نبودن «سامانه‌های پیش‌بینی سوانح» و عدم بهره‌برداری از فناوری‌های جدید و اطلاعات علمی است.

او می‌گوید تعدد گروه‌های دخیل در مدیریت بحران به‌رغم وجود یک سازمان مشخص برای این هدف، یکی از علت‌های مهم ناکارآمدی است و «یک چالش جدی برای جامعه سانه‌خیز» محسوب می‌شود.

زارع اول اسفند ۹۵، در روزنامه همشهری نوشت: «در نواحی‌ای در ایران که سوانح اخیر موجب خسارت شده‌اند، این حوادث قبلاً هم اتفاق افتاده‌اند. بازسازی نیز در این نواحی انجام شده و اینکه این زیرساخت‌ها چگونه تا این حد آسیب‌پذیرند، بخشی به بی‌توجهی به مسأله بازساختن بهتر مربوط است.»

این استاد زلزله‌شناسی خاطر نشان کرد که از بعد از سونامی سال ۲۰۰۴ در اندونزی، سازمان ملل متحد بر این مسأله تأکید کرده که بازسازی فقط ساختن ساختمان‌های مخروبه نیست، بلکه باز ساختن همه‌جانبه جنبه‌های فنی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و مدیریتی جامعه آسیب‌دیده است.

مهدی زارع می‌افزاید بازسازی مناطق آسیب‌دیده باید به‌نحوی باشد که مردم در حوادث بعدی آسیب‌های کمتری ببینند و با سرعت بیشتری به زندگی عادی برگردند، اما این «بازساختن بهتر» هنوز در ایران شروع نشده است.

این فجایع همچنان تکرار می‌شوند. خبرنگار خبرگزاری موج کرمانشاه در تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۹، در گزارش تحت عنوان «ناگفته‌های وضعیت زلزله‌زدگان شهری و روستائی کرمانشاه پس از یک سال»، نوشت: ابتدای ورودیه شهرستان زلزله‌زده سرپل ذهاب مملو از کانکس‌هایی است که انگار دیگر جزئی از بدنه شهر شده‌اند و مردمانی که گویی به‌وضع موجود خو گرفته‌اند، از حمام و سرویس بهداشتی عمومی استفاده می‌کنند، لباس‌ها و ظرف‌هایشان را کنار این کانکس‌های مناطق زلزله‌زده تمیز می‌کنند، بچه‌ها در همین محیط‌ها بازی می‌کنند و ... و به‌قول معروف شب را به صبح می‌رانند.

وارد محوطه یکی از بخش‌های کانکس‌ها می‌شوم، بوی تعفن فاضلاب مشام را می‌زند، با خانمی که مشغول شستن لباس در کنار منبع آب است، درباره وضعیت زندگیش سؤال می‌کنم؛ لب به گلایه باز می‌کند: «به خدا دیگر جان به لبمان رسیده است، نمی‌دانم ما چه جان‌سختی داشتیم که با این همه مصیبت هنوز زنده‌ایم، خوش به حال آن‌ها که زیر آوار مردند، تابستان و گرمای کشنده و مریضی‌اش تمام نشده، عزای زمستان و سرمای کشنده‌اش را می‌گیریم... همین آقایانی که می‌گویند مردم سرپل ذهاب مشکل ندارند، یک‌شب را در این قوطی کبریت‌ها سر کنند، ببینند این‌جا جای زندگی است...»

همزمان زنی میان سال که گفتگوی ما را می‌شنود جلو می‌آید و می‌گوید: «به خدا قسم دیگر توان‌مان تمام‌شده... خانه‌بهدوشی‌مان کم بود، درد نبود مصالح برای ساخت خانه هم خوراک هر شب و روزمان شده است، همش می‌گویند وام داده‌ایم، خودشان بیایند و با ۴۷ میلیون تومان هم‌خانه بسازند، هم مصالح تأمین کنند، هم وسایل خانه بخرند... ببینم توانش را دارند...»

تقریباً جمعیت هفت یا هشت‌نفره دورمان جمع شده و هرکدام به زبان بومی قصد دارد، بخشی از دردهایشان را عنوان کند. آقای عصبی و ناراحت می‌گوید: «بنده خدا اگر امکانات کم است، مردم هم خودشان بی‌انصاف‌اند و رعایت نمی‌کنند کل این محلی که ما زندگی می‌کنیم، کلاً چند تا سرویس بهداشتی دارد، ببینید چه وضعیت اصف باری دارد، خدا وکیلی، ما و بزرگترها که سن و سالی را گذرانده‌ایم به جهنم... بچه‌های بیچاره‌ای که این‌جا زندگی می‌کنند، فردا هزارتا مرض و بیماری نمی‌گیرند...»

او ادامه می‌دهد: ماه‌های اول حداقل بهداشت اولیه را دولت و بهداشت نظارت می‌کرد اما حالا انگار این وضعیت عادی شده است و کسی ماه‌به‌ماه هم به این محله‌ها سر نمی‌زند و ما هرچه هم که داریم، خرج دوا و درمان مریضی می‌کنیم... از آن‌ها می‌پرسم کسانی که مال‌کند، بعد از یک سال چرا سرخانه زندگی‌شان نمی‌روند، یکی از آن‌ها با ناراحتی جواب می‌دهد: «برادر من مگر می‌شود زن و بچه را در یک چار دیواری که نه لوله آب دارد، نه سیم‌کشی برق، پناه داد، با این گرانی‌ها که از زلزله هم بدتر بود، خیلی از ما توان بالا آوردن چهارتا دیوار و سقف را نداریم، چه برسد به لوله‌کشی آب و گاز و برق‌کشی یا نازک‌کاری ساختمان...»

چندین روستای زلزله‌زده از جمله روستای «کوئیک» جایی که رهبر از نزدیک آن‌جا را پس از زلزله مشاهده و سرکشی کردند را نیز دیدیم، وضعیت آن‌ها به‌مراتب بهتر از وضعیت شهری بود اما نکته‌ای که یکی از اهالی قدیمی عنوان کرد، بسیار درخور توجه بود.



آقای میان‌سال با چهار فرزند، وقتی از روند ساخت خانه‌اش سؤال کردیم، مکانی نیمه‌کاری را به ما نشان داد و گفت: «با هزینه‌ای که دولت برای ساخت خانه‌های روستائی تخصیص داد، یک عده خودشان شخصی نسبت به ساخت‌وساز اقدام کردند و بخشی هم چون تخصیص نداشتند، کار را به پیمان‌کار سپردند و من و چند نفر همسایه‌ها چون نتوانستیم که را به پیمان‌کار دادیم و با پرداخت ۱۲ میلیون تومان اولیه برای هر خانوار قرار شد که دوماه خانه را به ما تحویل دهد، این آقا

بعد از واریز پول به حسابش و یکسری سرهمبندی الان شش ماه است که حتی جواب تلفن‌مان را هم نمی‌دهد و بعد از سه شکایت و آمورفت تازه می‌گوید من یک کارمند بیش‌تر نیستم، البته دادگاه او را موظف به اجرای قرارداد کرده اما همین‌طور ما چندین ماه است که اسیر این آقای مثلاً پیمان‌کار شده‌ایم...»

به‌خانه‌هایی که به‌صورت شخصی ساخته‌شده بودند هم سر زدیم، به اذعان خود همین مالکان چون تسهیلاتی که داشتند، کفاف گرانی‌های مصالح را نمی‌داد، مجبور شده‌اند که از خیلی ملزومات خانه‌های ضد زلزله بزنند و باز هم فقط یک سرپناه درست کنند حتی به قیمت نداشتن پایان کار.

مشکل دیگری که تعدادی دیگر از زلزله‌زدگان بر آن تأکید داشتند، «عدم پرداخت تسهیلات به دلیل بدهی‌های وامی» بود، در حالی که بارها در هیئت دولت و مسؤولان بر استمهال دوساله وام مناطق زلزله‌زده تأکید شده است.

گفتنی است که زلزله ۲۱ آبان ۱۳۹۶ به ۱۰۰ هزار واحد مسکونی آسیب وارد کرد و برآورد اولیه خسارات هم پنج هزار میلیارد تومان بود اما طی سیاست بلندمدت دولت به‌موازات احداث واحدهای تخریبی، دیگر واحدهای مسکونی نیز می‌بایست مقاوم‌سازی می‌شد که بر اساس آن واحدهای تعمیری وام‌هایی با کارمزد چهار درصد در اختیار مالکان آن‌ها گذاشت.

اکنون سیل این کانگس‌ها را هم گرفته است.

فرماندار شهرستان سرپل‌ذهاب هم با بیان این‌که بخشی از رفع مشکل آب‌گرفتگی کانکس‌ها به‌خود مردم بستگی دارد اضافه کرد: تعدادی کانکس در نزدیکی رودخانه مستقر هستند که با سیلابی شدن رودخانه امکان آب‌گرفتگی آن‌ها وجود دارد.

به‌گزارش خبرگزاری صدا و مرکز کرمانشاه، هفتم فروردین، محبت جمالی‌نیا فرماندار سرپل‌ذهاب گفت: به‌منظور جلوگیری از خسارات احتمالی ناشی از سیلاب و بارندگی در روزهای آینده ۵۰ کانکس که در حاشیه رودخانه الوند مستقر بودند به مکانی امن منتقل شدند.

جمالی‌نیا افزود: هم اکنون با کمک نیروهای عضو ستاد بحران، ارتش، بسیج و سپاه کانکس‌های دیگری که به‌صورت پراکنده در مکان‌های پر خطر برای وقوع سیلاب نصب شده بود در حال شناسایی و جابه‌جایی به مکان دیگری هستند. او خاطر نشان کرد: تعدادی از این کانکس‌ها در مرحله نصب، با سیمان محوطه‌سازی شدند که روند جابه‌جایی آن‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است.

سخنگوی ارتش هم گفته است: ساعتی پیش تیپ ۷۱ نیروی زمینی ارتش (ابوذر) مستقر در پادگان ابوذر، مردم یکی از اردوگاه‌های ساحل رودخانه سرپل‌ذهاب را که سیل، کانکس آن‌ها را تقریباً در خود غرق کرده بود، به نقطه امنی که ستاد بحران شهرستان پیش‌بینی کرده است منتقل کردند.

عصر ایران، ۸ فروردین ۱۳۹۸، در گزارشی تحت عنوان «گزارشی تکان‌دهنده از زندگی زلزله‌زدگان سرپل‌ذهاب بعد از سیال اخیر»، نوشت:

از کرمانشاه که به‌سمت گیلان‌غرب راه می‌افتم بارندگی شدید است. بارش باران آن‌قدر زیاد است که روی جاده به فاصله‌های نامعینی از هم آب جمع شده و تعادل ماشین‌ها را به‌هم می‌زنند. در فرعی جاده، گل و لای زیادی از کوه‌ها شسته شده و به روی هم تلنبار شده است. جدای از این کنار جاده پر از رودهای کوچک و بزرگی شده که به‌صورت موقتی جریان آب را به سمت رودهای مرزی پیش می‌برند.

جمع شدن آب در جاده‌های محدوده گیلان‌غرب حواسم را به‌سمت کوه‌ها می‌برد، کوه‌های بی‌درختی که زمانی سبز و پر از پوشش گیاهی بودند و به‌همین دلیل هم بوده که اسم شهر را گذاشته‌اند گیلان‌غرب. چند سالی است که در جریان

اتفاقات ناگواری که برای جنگل‌های این منطقه می‌افتد قرار دارم؛ هر بار خبر می‌رسید که یک بخش از جنگل در اثر آتش‌سوزی از بین رفت. آتش‌سوزی‌هایی که هیچ‌کس دلیلش را نمی‌دانست؛ برخی سهل‌انگاری مردم بومی را مطرح می‌کردند، برخی از استراتژی امنیتی نهادهای نظامی برای مقابله با ناامنی در منطقه می‌گفتند و برخی هم پای خشک‌سالی را وسط می‌کشیدند. هرچه که بود، کوه‌های غرب هم مانند شمال کشور آن‌قدر دست‌خوش تغییر و آسیب شده‌اند که اکنون دیگر روان آب جاری شده از کوه‌ها در خاک فرو نمی‌رود و بخش زیادی از آن با فرسایش خاک به‌سمت جاده و شهر جاری می‌شود.

جاده گیلان‌غرب به سرپل ذهاب هم وضعیتی بهتر از جاده کرمانشاه به گیلان‌غرب ندارد. بارندگی شدید، رانندگی را بسیار سخت کرده است اما بالاخره به سرپل می‌رسم. در همان ورودی شهر اولین تصویر از سیل و زلزله را با هم می‌بینم. مقدار زیادی آب در ورودی شهر جمع شده و عده‌ای از مردم تلاش می‌کنند خودروی امدادی که در گل فرو رفته را با کمک هم بیرون بکشند. جلوتر تصویری بهتر از شهری ارائه می‌دهد که در آبان ۹۶ دیده بودم. جنب‌وجوش به بازار شهر برگشته و مناطق اصلی گسل، یعنی مسکن مهر و شهرک فولادی هم بیشتر رونق گرفته‌اند.

سری به بازار اصلی می‌زنم تا برای ناهار چیزی پیدا کنم. خوب به یاد دارم که در روزهای ابتدائی و حتی در تیرماه ۹۷ که برای بار دوم به منطقه رفته بودم، پیدا کردن چیزی برای خوردن یکی از اصلی‌ترین چالش‌های غیر بومی‌هایی بود که به این شهر آمده بودند اما حالا چند تائی فست‌فود فعال می‌بینم، یکی دو تا رستوران و تعداد زیادی هم مغازه. این موضوع نشانه خیلی خوبی از بازگشت نسبی زندگی به شهر است.

گشتن در شهر را ادامه می‌دهم و با گذر از بازار اصلی به ابتدای رودخانه‌ای می‌رسم که از مرکز شهر تا شهرک فولادی و پشت مسکن مهر ادامه دارد. این جا پر است از زنگ خطر. اول از همه موقعیت جغرافیائی کانکس‌ها و شهرک‌های موقت سرپل ذهاب جلب نظر می‌کند؛ بخش زیادی از کانکس‌نشینان سرپل ذهاب در حاشیه همین رودخانه مستقرند و در صورت وقوع سیل و بالا آمدن آب رودخانه اولین خطر، زندگی آن‌ها را تهدید می‌کند. خطر بعدی که در همان نگاه اول جلب توجه می‌کند، خطر عبور کابل‌های برق غیراستانداردی است که از تیرهای برق به‌سمت کانکس‌ها کشیده شده‌اند. قطعا در صورت جاری شدن سیلاب و بالا آمدن سطح رودخانه خطر برق‌گرفتگی و آسیب‌های جانی و مالی ساکنان وجود دارد.

... در همان نزدیکی‌ها با پسری جوان به نام فرشید گفت‌وگو می‌کنم. ساکن همان منطقه است و با خانواده‌اش در کانکس‌های حاشیه رودخانه زندگی می‌کنند. او به عصر ایران می‌گوید: «مردم چگونگی واکنش مناسب در مواقع بحرانی را اصلا بلد نیستند، مثلا همین دیروز وقتی آب رودخانه بالا آمد، هم افراد پیاده حاشیه رودخانه را اشغال کرده بودند و هم بالغ بر ۵۰ ماشین روی پلی توقف کرده بودند که هر لحظه امکان داشت فرو بریزد. به‌گفته او و چند نفر دیگر از ساکنان آن منطقه، سیل دیروز سبب مرگ یکی از ساکنان روستاهای اطراف سرپل شده است.

... این شهر در میان چهار کوه قرار دارد و حالت دشت‌وار آن باعث می‌شود در صورت وقوع سیل محل مناسبی برای انباشت آب باشد. اگرچه سه رودخانه‌ای که از نقاط مختلف شهر به یکدیگر می‌پیوندند بستر بزرگی دارند و به گواه بومیان می‌توانند بار آب اضافی را به دوش بگیرند اما این خطر در صورت ادامه بارندگی‌ها قطعا شهر را تهدید خواهد کرد. شهری که ۱۷ ماه پس از زلزله ۹۶، هنوز ساکنانی دارد، که نه در کانکس بلکه در چادرهایی زندگی می‌کنند که خودشان با چوب و پلاستیک و سنگ ساخته‌اند.

حدود دو ماه پس از زلزله نگدشته بود که فرماندار سرپل ذهاب گفت: معلوم نیست پول‌هایی که سلبریتی‌ها برای زلزله‌زدگان از مردم جمع کردند کجا هزینه شده است.

با گذشت بیش از دو ماه و نیم از وقوع زلزله در استان کرمانشاه، فرماندار سرپل ذهاب، شهری که بیشترین خسارت را در زلزله دید، گفته است که هنوز ۶۰ درصد مردم این شهر کانکس ندارند و در چادر زندگی می‌کنند.

خبرگزاری ایلنا که با اکبر سنجابی، فرماندار سرپل ذهاب، گفت‌وگو کرده همچنین به نقل از او نوشته بود که درباره هزینه‌کرد پول‌هائی که سلبریتی‌ها از مردم جمع کردند ابهام وجود دارد.

او گفته است: «یک بار دو سه نفر از نمایندگان علی‌دائی پیش ما آمدند و قرار شد باز برگردند که خبری نشد. یک بار هم با خانم نیکی کریمی دیداری داشتیم و ایشان طرحی داشتند و قرار بر این شد که دوباره بازگردند. تقاضا داریم که این افراد با سرعت عمل بیش‌تری بیایند و کمک‌ها را تقسیم کنند و از ما حتما اطلاعات بگیرند.»

خبرگزاری ایسنا نیز روز چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۶، به نقل از نماینده اورامانات در مجلس شورای اسلامی از جان باختن تعداد دیگری از زلزله‌زدگان به علت سرما خبر داد.

فرهاد تجری، نماینده قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلان‌غرب در مجلس شورای اسلامی نیز روز یکشنبه، اول بهمن ماه گفت: «متأسفانه روز گذشته بر اثر بارندگی پیش آمده به دلیل کوتاهی و کم‌لطفی دستگاه‌هائی مانند بنیاد مسکن و هلال احمر مردم دچار مشکلاتی شده و علاوه بر این‌که بخشی از چادرها را باد برد، حدود ۶۰ چادر داخل شهر در سرپل ذهاب نیز دچار آب‌گرفتگی شد.»

چند روز پیش از این نیز خبری مربوط به فوت چهار نفر از اهالی مناطق زلزله‌زده به علت سرمازدگی منتشر شده بود. همین چند نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد که از رهبر حکومت اسلامی گرفته تا رئیس‌جمهور و دولتش، سپاه، اطلاعات، اسناداران، فرمانداران، نمایندگان مجلس، دستگاه قضائی و غیره، همچنان در روز روشن به مردم دروغ می‌گویند و با قلدری و زورگوئی و وحشی‌گری همچنان مشغول غارت اموال عمومی جامعه و سرکوب مردم حق‌طلب هستند! حکومتی که با تمام جناح‌ها و دم و دستگاهش ذره‌ای حقانیت ندارد و کلیت این حاکمیت هیولائی و وحشی و تبهکار است!

کل بودجه پیش‌بینی شده برای سازمان مدیریت بحران در لایحه بودجه ۱۳۹۸، ۱۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان است که ۲۰۰ میلیون تومان آن برای کارهای عمرانی و بقیه برای برنامه‌های جاری پیش‌بینی شده است. از این میزان بیش از ۵ میلیارد و ۶۶۰ میلیون تومان هزینه حقوق کارکنان سازمان می‌شود. ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان برای بخش «رفاه اجتماعی» کنار گذاشته شده و ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان هم برای استفاده از کالا و خدمات پیش‌بینی شده است.

این البته بودجه ستاد مرکز مدیریت بحران در بودجه ملی است و هزینه ستادهای استانی از بودجه استانی تأمین می‌شود. برای همین در مقام مقایسه باید سراغ نهادهائی رفت که حوزه فعالیت آن‌ها نه اجرائی و نه عمرانی است، بلکه عمده وظیفه‌شان تبلیغ و ترویج ایدئولوژی اسلامی حاکمیت و مفتخوری است. مثلاً می‌توان با مقایسه بودجه مرکز مدیریت بحران با عمده نهادهای مذهبی که وظیفه‌شان هماهنگی تبلیغات مذهبی و رتق و فتق امور روحانیون و مدارس دینی است، جایگاه مدیریت بحران در مقایسه با نهادهای مذهبی شفاف‌تر می‌گردد.

در لایحه بودجه ۱۳۹۸، برای مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۲۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بودجه در نظر گرفته شده است. همچنین در لایحه بودجه ۹۸، برای حرم آیت الله خمینی، تقریباً دو برابر بودجه مدیریت بحران و برابر ۲۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده است.

بودجه نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، تقریباً ۸ برابر بیش‌تر از مرکز مدیریت بحران است. دولت برای این سازمان زیر نظر خامنه‌ای نزدیک ۸۸ میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی کرده است.

اعتبارات سازمان اوقاف و امور هم حدود ۳۰۵ میلیارد تومان است. نهادهای که گفته می‌شود بعد از نهاد دولت بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی ایران تقریباً ۲۴ برابر مرکز مدیریت بحران از بیت‌المال بودجه می‌گیرند.

بودجه دانشگاه علوم و معارف قرآنی نزدیک ۳۱ میلیارد تومان و دولت برای حمایت از مدارس علوم دینی اهل سنت هم رقمی در حدود ۱۲۶ میلیارد تومان کنار گذاشته است.

مرکز خدمات حوزه‌های علمیه که صرف کمک هزینه معیشتی و حق بیمه طلاب است، ۸۰ برابر مرکز مدیریت بحران ایران و حدود ۱۰۲۹ میلیارد تومان است. اما اعتبارات مربوط به حوزه‌های علمیه محدود به این نیست. سهم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، از بودجه نیز حدود ۱۵۰ میلیارد تومان است. تقریباً ۱۲ برابر مرکز مدیریت بحران. علاوه بر این شورای عالی حوزه‌های علمیه هم از دولت ۳۰۶ میلیارد تومان بودجه می‌گیرد.

سهم حوزه‌های علمیه خراسان، ۸۷ میلیارد تومان و به حوزه‌های علمیه خواران هم حدود ۱۷۰ میلیارد تومان می‌رسد. بر اساس لایحه بودجه ۱۳۹۸، بودجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۲۳۰ میلیارد تومان و اعتبار بودجه مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، ۲۸ میلیارد تومان است. در این میان ۳۳ میلیارد تومان هم به مجمع جهانی اهل بیت می‌رسد. علاوه بر این دولت حدود ۵ میلیارد تومان هم برای دانشگاه اهل بیت ۱۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان هم برای دانشگاه مذاهب اسلامی پول کنار گذاشته است.

اعتبارات سازمان تبلیغات اسلامی، در لایحه بودجه ۹۸ نزدیک به ۱۵۲ میلیارد تومان است. علاوه بر این، ۳۴ میلیارد تومان هم به شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی می‌رسد.

با این حساب چیزی حدود ۱۵ برابر بودجه مرکز مدیریت بحران، خرج تبلیغات اسلامی می‌شود.

بودجه مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه نشر آثار رهبر حکومت را بر عهده دارد دو برابر بودجه مرکز مدیریت بحران کشور و برابر ۲۵ میلیارد تومان است.

بودجه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی هم از مرکز مدیریت بحران بیشتر و حدود ۱۸ میلیارد تومان است. حتی بودجه شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه هم مهم‌ترین مسئولیت آن آماده کردن نسخه واحد خطبه‌های نماز جمعه در سراسر کشور است، از مرکز مدیریت بحران کشور بیش‌تر است. در لایحه بودجه برای این شورا، ۲۰ میلیارد تومان، ۷ میلیارد بیش‌تر از ستاد بحران اعتبار پیش‌بینی شده است. علاوه بر این بودجه مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۲۸ میلیارد تومان و بودجه ستاد اقامه نماز، ۱۲ میلیارد تومان و ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، ۱۵ میلیارد تومان است.

امسال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۲ میلیارد تومان، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۳ میلیارد تومان و ۵۰ میلیون تومان، مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۵ میلیارد تومان و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ۶ میلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان از دولت بودجه می‌گیرند.

در حساب و کتاب رسمی دولت، اهمیت مالی جامعه‌المصطفی العالمیه هم ۱۶ برابر بیش‌تر از مرکز مدیریت بحران است. بودجه این مرکز اسلامی، امسال حدود ۲۰۲ میلیارد تومان است.

مهم‌تر از همه، این بودجه به‌سادگی نشان می‌دهد که دولت روحانی تحت عنوان بودجه سالانه کشور، به‌معنای واقعی ثروت‌های عمومی جامعه را بین سران و مقامات و نهادهای ایدئولوژیک حکومت‌شان تقسیم کرده است. آن‌هم بودجه امسال با دخالت مستقیم «رهبر» تنظیم شده است! به‌علاوه بخش بزرگی هم به سپاه پاسداران اختصاص داده شده است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت بخش کلان بودجه سال ۹۸، سهم نیروهای سرکوب و ایدئولوژیکی حکومت است که نه تنها کمترین ربطی به بهبود زیست و زندگی شهروندان ایران ندارند، بلکه در جهت سرکوب و مرعوب آن‌ها به‌کار گرفته می‌شوند!

در جمع‌بندی می‌توان تأکید کرد وقوع بحران‌های طبیعی و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با خسارت‌ها و پیام‌دهی ناشی از آن، می‌تواند منجر به از دست رفتن منابع و دستاوردهائی شود که تحقق آن‌ها سالیان زیادی طول می‌کشد. اگرچه سیاست‌گذاری درست، اثربخش، فراهم آوردن امکانات و منابع لازم، صورت‌بندی پیش‌بینی‌های مناسب، تهیه سناریوهای مناسب و عملیاتی‌سازی اقدامات برنامه‌ریزی‌شده در مراحل، پیش، حین و پس از وقوع بحران، در زمره وظایف اصلی دولت‌ها و حکومت‌ها است، اما شیوه انجام این وظایف در کشورهای گوناگون متفاوت است.

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تحت تأثیر بحران‌های طبیعی است که هزینه‌های هنگفت اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد و رشد و توسعه کشورها را دشوار می‌کند. نداشتن آمادگی و مقابله نکردن مناسب با بحران‌های طبیعی، خسارات سنگینی به محیط زیست و شهروندان و دارائی‌های آن‌ها وارد می‌کند که بعضاً جبران‌ناپذیر است. از این‌رو، مدیریت بحران‌های طبیعی می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش دهد و جوامع مختلف را در برابر این بحران‌ها ایمن و مصون کند.

وقوع بحران‌های طبیعی و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با خسارت‌ها و پیام‌دهی ناشی از آن، می‌تواند منجر به از دست رفتن منابع و دستاوردهائی شود که تحقق آن‌ها سالیان زیادی طول می‌کشد. اگرچه سیاست‌گذاری درست، اثربخش، فراهم آوردن امکانات و منابع لازم، صورت‌بندی پیش‌بینی‌های مناسب، تهیه سناریوهای مناسب و عملیاتی‌سازی اقدامات برنامه‌ریزی‌شده در مراحل، پیش، حین و پس از وقوع بحران، در زمره وظایف اصلی دولت‌ها و حکومت‌ها است، اما شیوه انجام این وظایف در کشورهای گوناگون متفاوت است.

مدیریت بحران در کشورهای مختلف است. مدیریت بحران عبارت است از مجموعه فعالیت‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سیاسی وابسته به مراحل مختلف و همه سطوح بحران، در جهت نجات، کاهش ضایعات و خسارات، جلوگیری از وقفه زندگی، تولید و خدمات، حفظ ارتباطات، حفظ محیط زیست و سرانجام ترمیم و بازسازی خرابی‌هاست.

اغلب کارشناسان، اهداف مدیریت بحران را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- رفع شرایط بحران و اضطرار؛ - بازگرداندن سریع جامعه به حالت عادی؛ - کاهش آسیب‌های ناشی از بحران چه جانی و چه مالی؛ - کاهش اثرهای بحران در جامعه و مقابله با آن با کمترین هزینه‌ها؛ - ایجاد آمادگی در جامعه برای مقابله با بحران؛ - بازسازی مناطق بحرانی از لحاظ فیزیکی و روانی و فرهنگی؛ - ایجاد تمرین و آموزش و مانورها در مناطق جهت آمادگی برای مقابله با بحران برای مدیران و مردم.

اما نه تنها سازمان مدیریت بحران حکومت اسلامی، خود بحرانی است، بلکه کلیت حکومت اسلامی ایران، با زندگی ساد و سعاتمند و آزاد مردم و طبیعت سر دشمنی و خصومت دارد. این حکومت از چهل پیش، جنگ ویران‌گری را علیه اکثریت مردم ایران و طبیعت این کشور آغاز کرده است که هنوز پایانی برای آن متصور نیست. سازمان مدیریت بحران، یک سازمان دولتی است که زیرنظر وزارت کشور در سال ۱۳۸۷ شروع به فعالیت کرده است و ظاهراً هدف از تأسیس آن «قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور» بوده است. سازمان مدیریت بحران متشکل از ۱۴ کارگروه تخصصی و عملیاتی است. رئیس هر کارگروه تخصصی به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط از بین

معاونان مرتبط با مدیریت بحران همان دستگاه با حکم وزیر کشور منصوب خواهد می‌شود. ۱۴ گروهی که هر کدام آهنگ خود را می‌زنند و در غارت اموال عمومی و نابودی محیط زیست و به خاک سیاه نشاندن مردم ایران در حال مسابقه با همدیگر هستند.

برای مثال، طبق قوانین مدیریت بحران ژاپن، بخش خصوصی، افراد جامعه و نهادهای اجتماعی در برنامه‌های کاهش خطرات مشارکت می‌کنند. از طرف دیگر، مؤسسات آموزشی نیز وظیفه آموزش به شورای مرکزی مدیریت بحران و نهادهای فعال در این زمینه را انجام می‌دهد. قوانین ژاپن بر ارائه آموزش عمومی به مردم و داوطلبان از طریق رسانه‌های همگانی تأکید دارد.

در حالی که در ایران، دکتر متخصص محیط زیست را زندانی و در زیر شکنجه می‌کشند و فعالین محیط زیست را ماه‌های طولانی و بدون ملاقات و در بی‌خبری مطلق در سیاه چال‌های مخوف سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی نگه می‌دارند. آن دیگری را در ماشین‌اش زنده‌زنده می‌سوزانند و حتی کمک داوطلبانه مردمی به آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی را ممنوع می‌کنند! از این‌نظر حکومت اسلامی ایران همانند سایر سیاست‌هایش همچون کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، اعدام کودکان، سرکوب سیماتیک زنان، اعمال سانسور شدید بر تولیدات فرهنگی، ادبی و هنری و غارت اموال عمومی جامعه و تحمیل فقر و فلاکت فزاینده بر مزدبگیران و... در جهان بی‌همتاست و نظیری ندارد!

در چنین شرایطی، مردم باید خط قرمزهای حکومت و ممنوعیت کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان را بشکنند و به یاری سیل‌زده‌گان گلستان، مازندران، خوزستان، کرمانشاه، لرستان، تهران و...، بشتابند. هرگونه کمک به حلال احمر حکومت اسلامی، عملاً بار دیگر پر کردن جیب سران و مقامات این حکومت تبه‌کار و مفتخور است. کمک‌ها باید مستقیماً از طریق نهادهای کارگران، معلمان، نویسندگان، بازنشستگان، دانش‌جویان و نهادهای مردمی به آسیب‌دیدگان رسانده شود. در عین حال باید با اعتراض و اعتصاب حکومت را تحت فشار قرار داد تا به وظایف خود در قبال آسیب‌دیدگان سیل جامعه عمل بپوشاند. سکوت جایز نیست. الان وقت آن رسیده است که مردم مدیریت بحران موجود و جامعه را به‌دست گیرند. جامعه ما چاره‌ای جز مبارزه متحدانه و هدفمند بر علیه کلیت حکومت اسلامی ندارد. باید مدیریت استان‌ها را مردم همان استان به‌دست گیرند و با تمام قدرت به‌یاری آسیب‌دیدگان بشتابند. چرا که انتظار از این حکومت، بیهوده است.

پس تا زمانی که حکومت اسلامی بر جامعه ما حکمرانی می‌کند؛ تا زمانی که تخریب محیط زیست و منابع طبیعی ادامه دارد باید باز هم منتظر بلاها و فجایع طبیعی باشیم که عکس‌العمل طبیعت نسبت به عملکرد حکومت اسلامی و سرمایه‌داران است، زیرا طبیعت در قبال تعرض و تعدی که به آن می‌شود ساکت نخواهد نشست!

جمعه نهم فروردین [حمل] ۱۳۹۸ – بیست و نهم مارچ ۲۰۱۹